یا لثارات الحسین (ع)

دوشنبه
۲۰ مهر ۱۴۰۵
۱ جمادی الاول ۱۴۴۸
۱۲ اکتبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۶۱
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



سعودی‌ها در برابر حملات پرقدرت انصارالله بی‌دفاع شده‌اند

شاهکار شیران یمنی

۳

گزارش «آگاه» درباره موضع‌گیری اخیر فرماندهان نیروهای مسلح را بخوانید

ایران و نقطه‌زنی شناورهای دشمن

۲

چالش‌های دسترسی به خدمات سلامت روان

روان‌های خسته نسخه‌های زرد

۷

چطور نقد اجتماعی و روح سرکش حافظ را ندیده گرفتیم؟

رندِ عالم‌سوز را با مصلحت‌بینی چه کار

۵



از کیسینجر تا ترامپ؛ تنها راه مهار مستکبران چیست؟

بازدارندگی اتمی؛ تنها زبان مشترک با دشمنان عهدشکن

۳

درآمدی بر روایت آوینی‌گونه



سیدمرتضی مفیدنژاد
روزنامه‌نگار

رهبر شهید انقلاب در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ در دیداری که با ستاد ملی مبارزه با کرونا داشتند به یک نکته مهم اشاره کردند. ایشان تصریح کردند: «کاش کسانی بتوانند مثل شهید آوینی این جهاد عظیم و عمومی را روایت کنند؛ همچنان که شهید آوینی با آن بیان شیرین و زیبا و اثرگذار خودش توانست جزئیات جبهه را برای ما روایت کند. کاش کسانی بتوانند این کار را بکنند؛ هم در گفتار و هم در نوشتار و هم در کارهای هنری و نمایش‌ها و پدیده‌های هنری.»

از این کلام آن مرد بزرگ و شهید جاودانه وام می‌گیریم و به این موضوع می‌پردازیم که کشور ما در طول یک سال و نیم گذشته دو جنگ فراگیر، یک اغتشاش داخلی و از همه بالاتر و مهم‌تر شهادت رهبر عزیز خودش را به چشم دیده است. در کنار همه این موارد مسائل و مشکلات اقتصادی و معیشتی هم عمق جدی و ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. در همه این صحنه‌ها و با وجود تمام مسائل و مشکلات آنچه بیش از هر چیز به چشم می‌آید صحنه‌های فداکاری، جانفشانی، حضور در صحنه و ایستادگی‌هایی است که در برخی از عرصه‌ها نه تنها به روزهای جنگ هشت ساله شباهت دارد، بلکه در حوزه‌ها و عرصه‌هایی بالاتر و متمایزتر است. این صحنه‌های تکرارنشدنی و کم‌نظیر و این روایت‌های فتح و ظفر در شرایط جنگ ترکیبی دشمن باید به بهترین نحو و با کارآمدترین ابزار به تصویر کشیده و در تاریخ ماندگار شود. این قطعات و این روایت‌ها باید به‌واسطه رسانه و با زبان‌های مختلف دنیا به مخاطب عرضه شود. در داستانی مثل ماجرای ماکان نصیری پسر بچه هفت ساله مینابی که در نخستین دقایق حمله آمریکا و اسرائیل به مدرسه شجره طیبه میناب به شهادت رسید و از بقایای پیکرش هیچ چیز پیدا نشد و حتی برخی دانش‌آموزان دیگر این مدرسه که بعد تر اعلام شد شرایطی مانند ماکان داشتند، می‌توان در حجم بالایی به تولید روایت‌هایی پرداخت که علاوه بر بیان مظلومیت ما در جنگ با خونخوارترین انسان‌های روی کره زمین؛ نشان‌دهنده عظمت و اقتدار ما هم باشد. حالا سوال اینجاست که لوازم این روایت‌پردازی آوینی‌گونه چیست و چه مقدماتی نیاز دارد؟

۱: توجه به زیربنای معرفتی و جهان‌بینی: برای ارائه یک روایت پردازی آوینی‌گونه، فلسفه روایت از هر چیز مهم‌تر است. باید روایت صورت گرفته از اتفاقات اخیر از پایه‌های غایی و آخرالزمانی برخوردار باشد و عشق در برابر استراتژی‌های خشک و نظریه‌های مادی اولویت پیدا کند.

۲: تاکید روی ابزارهای بیانی و ادبیات روایی: زبان شاعرانه و حماسی، استفاده از واژگان و سبک‌های فاخر، به کارگیری مولفه‌های معنوی و عرفانی، تمسک به عبارت‌های دلنشین و آرامش‌بخش باید جزو عناصر اصلی اینگونه روایت‌گری قرار گیرد.

۳: اولویت دادن به تکنیک‌های بصری: مدل کارها و تولیدات سیدمرتضی آوینی منحصر به فرد بود، به‌گونه‌ای که چشمان مخاطب را محو خود می‌کرد. او در ترکیب موسیقی و متن و تصویر بسیار هنرمندانه کار می‌کرد و راوی قصه به خوبی حضورش احساس می‌شد. برای تولید در مورد اتفاقات دو جنگ اخیر و رویدادهای قبل و پس از آن باید یک سبک بصری و هنری منحصر به فرد ارائه کنیم تا کارهای جاودانه در اذهان عمومی بماند و به بهترین شکل موجب افزایش روحیه و اعتماد به نفس ملی شود.

«آگاه» شروط جدید افزایش اعتبار بسته حمایتی دولت از خانوارها را بررسی کرد

کالابرگ در انتظار افزایش؛ معیار حمایت، درآمد یا معیشت؟

افزایش اعتبار کالابرگ الکترونیکی مدتی است به یکی از بحث برانگیزترین موضوعات در حوزه معیشت تبدیل شده است؛ چراکه اعتبار یک میلیون تومانی کالابرگ، به اذعان بسیاری از کارشناسان، پاسخگوی نیازهای معیشتی خانوارها نیست و مشکلات متعددی را برای تامین سبد مصرفی خانواده‌ها ایجاد کرده است. از سوی دیگر، افزایش تورم کالاهای اساسی در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، سبد معیشت خانوارها را بیش از گذشته تحت فشار قرار داده و موجب کوچک‌تر شدن آن شده است.

در چنین شرایطی، مطالبه افزایش اعتبار کالابرگ الکترونیکی روزبه‌روز در جامعه پررنگ‌تر شده و حتی رئیس جمهور نیز بر افزایش اعتبار این طرح تاکید کرده است. با این حال، در هفته‌های گذشته سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، اعلام کرد که کف افزایش اعتبار کالابرگ ۳۰۰ هزار تومان خواهد بود؛ رقمی که خود با انتقاداتی همراه شد.

در همین زمینه، یکی از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با اشاره به افزایش نرخ تورم و رشد قابل توجه هزینه‌های خانوار، در کنار افزایش نیافتن متناسب درآمد مردم، تاکید کرد که میزان افزایش اعتبار کالابرگ باید به گونه‌ای تعیین شود که دست‌کم به واقعیت‌های معیشتی جامعه نزدیک باشد. آزاد در این باره تاکید کرد: «نمی‌گوییم رقم کالابرگ حتما باید به‌طور کامل منطبق با واقعیت‌های اقتصادی باشد، اما حداقل باید به شرایط واقعی زندگی مردم، درآمدها و هزینه‌های خانوار نزدیک شود؛ چراکه متاسفانه درآمدهای مردم افزایش متناسبی نداشته، اما هزینه‌ها به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.» این نماینده مجلس در ادامه با اشاره به وخامت شرایط معیشتی خانوارها گفت: متاسفانه دیگر نمی‌توان گفت که سفره‌های مردم کوچک شده، بلکه باید گفت برخی سفره‌های مردم جمع شده است و لازم است بیش از این به وضعیت معیشتی مردم توجه شود. وی با اشاره به کاهش قدرت خرید خانوارها تصریح کرد که در حال حاضر بسیاری از مردم توان خرید خود را از دست داده‌اند و بخش قابل توجهی از اقلام را از سبد غذایی و تغذیه خود حذف کرده‌اند. آزاد همچنین تاکید کرد که در کنار سنجش اعتبارات و توان مالی دولت، سیاست‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای انجام شود که فاصله میان درآمد و هزینه مردم تا حد امکان کاهش یابد و فشار اقتصادی از دوش خانوارها برداشته شود.

تغییر مدل شناسایی مشمولان کالابرگ



اما احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، یازدهم مهر در گفت‌وگوی ویژه خبری صداوسیما از تغییر مدل شناسایی مشمولان کالابرگ خبر داد و توضیح داد که در مدل جدید، شناسایی افراد بر اساس شاخص‌های تجمیعی وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر دستگاه‌ها، در کنار خوداظهاری افراد، انجام خواهد شد. بر این اساس، جامعه به سه گروه درآمدی پایین، متوسط و بالا تقسیم می‌شود. به گفته میدری، دهک‌بندی یا کدبندی قبلی کنار گذاشته شده و مدل جدید به عنوان ابزاری تحلیلی برای شناسایی دقیق‌تر گروه‌های مختلف جامعه در نظر گرفته شده است. او با اشاره به تجربه کشورهای دیگر نیز توضیح داد که پرداخت یارانه و حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، مختص ایران نیست و کشورهای مختلف از روش‌های مشابهی برای حمایت اقتصادی استفاده می‌کنند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزود که اطلاعات مورد نیاز برای شناسایی گروه‌های درآمدی از وزارت اقتصاد، وزارت رفاه و سایر دستگاه‌های اجرایی جمع‌آوری خواهد شد و برای نخستین بار، بخش فناوری اطلاعات این فرآیند به وزارت ارتباطات سپرده شده است. میدری همچنین درباره میزان برخورداری افراد از اعتبار کالابرگ توضیح داد که بر اساس این دسته‌بندی، برخی افراد ممکن است مشمول ۵۰ درصد اعتبار اضافه یا کل اعتبار کالابرگ شوند؛ در مقابل، افرادی که در گروه‌های مشمول قرار نگیرند، از این حمایت برخوردار نخواهند شد.



افزایش اعتبار کالابرگ برای ۴۰ میلیون نفر

در ادامه این تحولات، سازمان برنامه و بودجه کشور نیز روز گذشته اطلاعیه‌ای درباره افزایش اعتبار کالابرگ منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده است که در پی دستور رئیس جمهور مبنی بر کمک به معیشت خانوارها و در راستای سیاست‌های هدفمندسازی یارانه‌ها و حمایت از اقشار کم‌درآمد، افزایش اعتبار کالابرگ در این مرحله در دستور کار دولت قرار گرفته است. بر اساس اعلام سازمان برنامه و بودجه، در این مرحله حدود ۴۰ میلیون نفر از هموطنان، معادل حدود ۱۸ میلیون و ۳۰۰ هزار خانوار، پس از تکمیل فرم خوداظهاری و ثبت درخواست، مشمول افزایش اعتبار کالابرگ خواهند شد.

اما در حالی که دولت افزایش اعتبار کالابرگ و تغییر سازوکار شناسایی مشمولان را در دستور کار قرار داده است، همچنان این پرسش مطرح است که معیارهای تعیین خانوارها در سه سطح درآمدی جدید چه خواهد بود و وضعیت اقتصادی و معیشتی افراد بر اساس چه شاخص‌هایی ارزیابی می‌شود.

ضرورت توجه به درآمد موثر خانوارها

یکی از مهم‌ترین ابهام‌ها در مدل جدید، نحوه شناسایی دقیق وضعیت اقتصادی خانوارهاست؛ موضوعی که در گذشته نیز با چالش‌هایی همراه بوده است. در نظام قبلی شناسایی مشمولان یارانه، گاهی میزان درآمد افراد به‌عنوان معیار اصلی دریافت یا حذف یارانه در نظر گرفته می‌شد؛ در حالی که درآمد اسمی افراد لزوما نشان‌دهنده توان اقتصادی و شرایط واقعی زندگی آنان نیست.

برای مثال، ممکن بود فردی با وجود برخورداری از املاک متعدد، به دلیل دریافت حقوق بازنشستگی مشمول دریافت یارانه شود، اما فرد دیگری با حقوق ماهانه ۵۰ میلیون تومان که بخش قابل توجهی از درآمد خود را صرف اجاره مسکن می‌کند، از دریافت یارانه کنار گذاشته شود. همین مسئله، ضرورت توجه به مجموعه شرایط اقتصادی و هزینه‌های ضروری خانوارها در تعیین سطح‌بندی دریافت یارانه را بیش از گذشته در محل توجه قرار داده است. در همین زمینه، بهروز محبی‌نجم‌آبادی، نماینده مردم سبزوار، جوین و جغتای در مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه»، با اشاره به اظهارات اخیر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره تعیین سه سطح درآمدی برای پرداخت کالابرگ و یارانه کمک‌معیشتی، گفت: اولویت‌بندی دهک‌های درآمدی بر اساس ۱۰ دهک، گاهی با اشکالاتی مواجه است؛ به این معنا که ممکن است انتهای دهک هشتم با ابتدای دهک نهم فاصله زیادی داشته باشد یا حتی در داخل دهک دهم نیز تفاوت قابل توجهی میان درآمد افراد وجود داشته باشد. این نماینده مجلس تاکید کرد که مبنای برنامه‌ریزی‌ها در دهک‌بندی خانوارها باید به‌گونه‌ای باشد که صرفا درآمد افراد ملاک تعیین‌کننده نباشد، بلکه شرایط معیشتی آنان به‌صورت مجموعه‌ای از عوامل و در کنار یکدیگر بررسی شود. محبی‌نجم‌آبادی در توضیح این موضوع افزود: ممکن است فردی ماهانه چند ده میلیون درآمد داشته باشد، اما بخش عمده این درآمد را برای پرداخت هزینه‌های درمان خود صرف کند؛ بنابراین، نمی‌توان صرفا بر اساس رقم درآمد، وضعیت معیشتی چنین فردی را ارزیابی کرد. وی با تاکید بر ضرورت اصلاح معیارهای شناسایی مشمولان یارانه و کالابرگ گفت: مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید «درآمد موثر» افراد را مبنای دهک‌بندی برای پرداخت کمک‌های یارانه‌ای قرار دهند. عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در تشریح مفهوم درآمد موثر توضیح داد که اگر فردی به هر دلیل، از جمله بیماری، شرایط استیجاری یا سایر وضعیت‌های خاص، هزینه‌های بالایی داشته باشد، تمام این موارد باید به‌صورت دقیق در ارزیابی وضعیت معیشتی او لحاظ شود. وی ادامه داد: در چنین شرایطی، اگر مسئولان اقدام به حذف کالابرگ یا کمک یارانه‌ای این افراد کنند، در واقع دچار اشتباه محاسباتی شده‌اند؛ چراکه رقم درآمد به‌تنهایی بیانگر توان اقتصادی و شرایط واقعی زندگی افراد نیست.

سه سطح حمایتی بر اساس نیاز واقعی

محبی‌نجم‌آبادی با اشاره به شرایط دشوار معیشتی بخشی از حقوق‌بگیران، تصریح کرد که کارمندی را در نظر بگیریم که با توجه به شرایط نابسامان حقوق و دستمزد، وضعیت معیشتی دشواری دارد. اگر چنین فردی از دریافت کالابرگ حذف شود یا اعتبار کالابرگ او افزایش نیابد، این تصمیم می‌تواند آثار منفی بر زندگی او داشته باشد و قطعا نباید چنین اتفاقی بیفتد. این نماینده مجلس بار دیگر تاکید کرد که ملاک ارزیابی نباید صرفا میزان درآمد فرد باشد، بلکه باید کل معیشت، هزینه‌های تحمیل شده و درآمد موثر او به صورت دقیق مورد بررسی قرار گیرد. وی در ادامه، درباره تعیین سه سطح برای پرداخت کالابرگ و کمک‌های معیشتی گفت: اگر مبنا بر این است که اولویت‌بندی در سه سطح انجام شود، سطح نخست باید شامل افرادی باشد که به کمک‌های جدی نیاز دارند؛ سطح دوم به افرادی اختصاص یابد که به هر حال نیازمند کمک هستند، اما از توانمندی‌هایی نیز برخوردارند و سطح سوم شامل کسانی شود که واقعا نیازچندانی به این کمک‌ها ندارند. عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی افزود: اگر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مجموعه همکاران این وزارتخانه بتوانند این اولویت‌بندی را بر اساس اطلاعات دقیق و با در نظر گرفتن همه جوانب معیشتی افراد انجام دهند، این اقدام می‌تواند اتفاق مبارکی باشد. محبی‌نجم‌آبادی در پایان تاکید کرد که با شناسایی دقیق افراد نیازمند حمایت می‌توان زمینه بهبود شرایط زندگی و معیشت آنان را فراهم کرد؛ چراکه اساسا یکی از وظایف حاکمیت، رسیدگی به افرادی است که نیازمند کمک هستند تا بتوان آنان را سرپا نگه داشت و شرایط زندگی و معیشتی‌شان را بهبود بخشید.

در مجموع، افزایش اعتبار کالابرگ در کنار تغییر مدل شناسایی مشمولان، دو محور اصلی سیاست جدید دولت برای حمایت از معیشت خانوارها به شمار می‌روند. با این حال، میزان اثربخشی این سیاست‌ها به نحوه تعیین گروه‌های درآمدی، دقت اطلاعات مورد استفاده و توجه به هزینه‌های واقعی زندگی خانوارها بستگی دارد؛ موضوعی که می‌تواند تعیین‌کند حمایت‌های دولتی تا چه اندازه به افرادی برسد که بیش از دیگران به آن نیاز دارند.



رضایی، دبیر شعام:
عاقبت قدرت‌هایی بزرگ‌تر از آمریکا با سودای فتح ایران، زباله‌دان تاریخ بود

در تماس تلفنی با سلطان عمان مطرح شد
تاکید رئیس جمهور بر اهمیت تداوم رایزنی‌ها و همکاری‌های منطقه



مسعود پزشکیان، رئیس جمهور اسلامی ایران روز گذشته یک شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۵ در گفت‌وگویی تلفنی با هیثم بن طارق، سلطان عمان، ضمن تبریک زادروزی برای دولت و ملت این کشور، سلامتی، سعادت، پیشرفت و سربلندی آرزو کرد.

رئیس جمهور در این گفت‌وگو، با قدردانی از تلاش های سلطان عمان و دولت این کشور در راستای تقویت صلح و ثبات منطقه‌ای، بر اهمیت تداوم رایزنی‌های دیپلماتیک، گسترش تعاملات سازنده و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشترک کشورهای منطقه برای تقویت تفاهم و همکاری تاکید کرد. پزشکیان همچنین با اشاره به روابط دوستانه و مناسبات دیرینه جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان، از سلطان عمان برای سفر به تهران دعوت و ابراز امیدواری کرد که در آینده‌ای نزدیک، زمینه دیدار و گفت‌وگوی حضوری دو طرف در تهران فراهم شود.

حمایت عمان از صلح، آرامش و ثبات در منطقه

سلطان عمان نیز در این گفت‌وگوی تلفنی، ضمن قدردانی از پیام تبریک رئیس جمهور اسلامی ایران، بر رویکرد مستمر سلطنت عمان در حمایت از صلح، آرامش و ثبات در منطقه تاکید کرد و استمرار ارتباطات و رایزنی‌های نزدیک با جمهوری اسلامی ایران را از اولویت های این کشور برشمرد. هیثم بن طارق همچنین ضمن تشکر از دعوت رئیس جمهور اسلامی ایران برای سفر به تهران، ابراز امیدواری کرد که این سفر در فرصت مناسب انجام شود.

ایران و عمان و پاسخی به توهمات آمریکا

این گفت‌وگوی تلفنی، بازتابی از رویکرد «دیپلماسی همسایگی» دولت چهاردهم است؛ سیاستی که بر پایه احترام متقابل و نگاه برادرانه استوار شده است. اهمیت این تعامل در آن است که ایران و عمان، فراتر از روابط رسمی، نگاهی برادرانه به یکدیگر دارند و بر این باورند که امنیت و آرامش هریک، در گرو ثبات و بهروزی دیگری است. استقبال گرم مسقط از سفر به تهران، گویای آن است که پیوندهای تاریخی و عاطفی میان این دو ملت، بسیار عمیق‌تر از هرگونه فشار خارجی است.

نکته کلیدی این است، اتحاد همسایگان که به صورت ویژه از سوی رئیس جمهور اسلامی ایران دنبال می‌شود، دقیقا همان چیزی است که به مذاق آمریکا خوش نمی‌آید. واشنگتن همواره سعی می‌کند با ایجاد فاصله بین ایران و همسایگانش، حصاری از انزوا به دور ما بکشد، اما وقتی می‌بیند عمان با اراده‌ای مستقل، رایزنی با ایران را در اولویت قرار می‌دهد، متوجه می‌شود، استراتژی «جداسازی» شکست خورده است. این تعاملات ثابت می‌کند که ملت‌های منطقه، خسته از بازی‌های سیاسی قدرت‌های بیگانه هستند و ترجیح می دهند در کنار برادران همسایه خود، صلح و ثبات را بنا کنند.

به میزبانی رئیس جمهور
جلسه سران قوا برگزار شد

نشست سران قوای سه‌گانه دیروز در نهاد ریاست جمهوری برگزار شد.

نشست مشترک سران قوای مجریه، مقننه و قضاییه دیروز یک شنبه (۱۹ مهر) به میزبانی رئیس جمهور در نهاد ریاست جمهوری برگزار شد و در آن، مسعود پزشکیان، محمد باقر قالیباف و حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای آخرین موضوعات جنگ و کشور را مورد بررسی قرار دادند.

جلسات سران قوای مجریه، مقننه و قضاییه به صورت هفتگی برگزار می شود و سران به بررسی آخرین مسائل پرداخته و برای حل مشکلات هم‌افزایی می‌کنند.

رئیس جمهور دیروز در دو دیدار مختلف با نخبگان و سپس کودکان، نمای ایران قدرتمند را ترسیم کرد
الزامات میهن قوی

رئیس دستگاه اجرا دیروز از پاستور تا کانون پرورش فکری کودک و نوجوانان تهران خبرساز بود و در دو دیدار با نخبگان تهران و کودکان، روی مفهوم «اتحاد ملی» به عنوان کلید قدرت ایران تاکید کرد و در عین حال هشدار داد: خودتحریمی خطرناک‌تر از تحریم‌های خارجی است و تنها با تکیه بر تخصص نخبگان و همت نسل جدید می‌توان ایران قدرتمندی ساخت.



یک‌شنبه ۱۹ مهر پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری خبر دیدار مسعود پزشکیان با جمعی از نام‌آوران و پیشکسوتان رشته‌های مختلف علمی، فرهنگی و ورزشی، برگزیدگان المپیادهای علمی و نفرات برتر کنکور از استان تهران را منتشر کرد. در ابتدای این نشست، نخبگان و نام‌آوران مسائل و دغدغه‌های مختلف خود را با رئیس دولت در میان گذاشتند. لزوم توجه بیشتر به زیرساخت‌های ورزشی استان؛ اشتغال و آینده شغلی قهرمانان ملی؛ توجه به جنبه‌های مختلف هنر و پرهیز از نگاه سوگیرانه به چند رشته خاص؛ حمایت بیشتر از صندوق پیشکسوتان ورزشی؛ ایجاد بسترهای مناسب برای آموزش غیرحضوری دانش‌آموزان؛ لزوم آموزش عمومی موسیقی در مدارس؛ توجه به توسعه فضاهای ورزشی مدارس و تسهیل استفاده عمومی از مراکز دولتی، به‌ویژه برای اقشار کمتر برخوردار؛ ایجاد کارگروه تخصصی برای رسیدگی به تهدیدها و فرصت‌های تهران و توجه ویژه به برگزاری رویدادهای فرهنگی، به‌ویژه در حوزه موسیقی، در استان تهران، مهم‌ترین دغدغه‌های مطرح شده بود.

پس از شنیدن دیدگاه و نقطه نظرات خبرگان علمی، رئیس جمهور در سخنانی به مشکلات گوناگونی که دولت از نخستین روز فعالیت خود با آنها مواجه بوده است، اشاره و تاکید کرد: دشمن تصور می‌کرد که اگر ما را مورد هجوم قرار دهد، کشورمان از هم خواهد پاشید؛ اما نه تنها چنین نشد، بلکه امروز همه ما با قدرت ایستاده‌ایم و با قدرت نیز ادامه خواهیم داد. وی خودتحریمی و حذف گزینشی را از دلایل مهم شکست دانست و با بیان اینکه اگر خودمان خود را تحریم نکنیم و اقدام به حذف گزینشی نکنیم، دشمن نمی‌تواند ما را حذف کند یا به زانو درآورد، اظهار کرد: باید تلاش کنیم بستر مناسبی برای ظهور و بروز استعدادها و توانایی‌های همه جوانان مملکت فراهم کنیم. رئیس جمهور در ادامه، پشتکار و پیگیری اهداف بلند را لازمه دستیابی به موفقیت دانست و تصریح کرد: نخبه بودن کافی نیست؛ باید همت بلند داشته باشید و از سختی‌ها نهراسید، چراکه رسیدن به قله‌های موفقیت بدون تلاش و پشتکار ممکن نیست. امیدوار باشید، مصمم بمانید و بدانید که در این صورت به اهداف خود دست پیدا خواهید کرد.

اما دومین برنامه او به حضور در جمع کودکان به مناسبت هفته کودک اختصاص یافت؛ برنامه‌ای که حاشیه جالبی نیز به همراه داشت. پزشکیان در آیین گرامیداشت هفته ملی کودک، با اشاره به ضرورت حفظ وحدت و انسجام ملی، داستان پیرمرد خردمند و چوب دستی‌هایش را برای کودکان روایت کرد و گفت: پیام این داستان برای شما کودکان و همه جامعه ما این است که اگر با یکدیگر باشیم، هیچ نیرو و دشمنی نمی‌تواند اراده ملت ما را خم کند یا شکست دهد.

رئیس جمهور وجود همدلی و کمک به یکدیگر در تمامی ارکان جامعه را عنصری ضروری برشمرد و گفت: چنانچه همه برای خدمت به جامعه، خانواده و محله یکی شویم، هیچ عاملی نمی‌تواند برای ما ایجاد مشکل کند. بنابراین به شما کودکان توصیه می‌کنم در خانواده با برادر و خواهرهای‌تان، در محله با دوست‌های‌تان و در شهر با همشهری‌های خود باشید و به یکدیگر کمک کنید؛ در تنهایی کسی نمی‌تواند کاری را از پیش ببرد. پزشکیان بار دیگر وجود وحدت ملی و انسجام داخلی را عامل اصلی قدرت و صلابت ملت ایران نامید و اظهار کرد: این وظیفه ما است که از منظر علمی، خدمت اجتماعی و انسانیت به یکدیگر کمک کنیم؛ این با هم بودن، زمینه‌ساز رشد و شکوفایی خواهد شد. ملت ایران زمانی قدرتمند است که با یکدیگر اتحاد و همکاری داشته باشد؛ در این صورت است که هیچ‌گاه دشمن این جسارت را پیدا نمی‌کند که بخواهد به ما ضربه بزند، بنابراین دست به دست یکدیگر بدهیم تا ملتی قدرتمند باشیم.

پیامی برای تمام ایرانیان

در فضای سیاسی، پیام های رئیس جمهور در دو دیدار مجزا اما مکمل، تبیین استراتژی جامع برای تقویت بنیه داخلی کشور ارزیابی می‌شود. این دو دیدار، دو سر طیف جامعه (نخبگان و کودکان) را هدف قرار داد تا پیامی واحد را به گوش همگان برساند و آن اینکه قدرت ایران در اتحاد است. مطالبی که رئیس قوه مجریه در نشست با نخبگان و مشاهیر استان تهران بیان کرد را می‌توان اینگونه برداشت کرد که تحریم های خارجی هرچقدر هم سخت باشند، در برابر پشتکار نخبگان، شکست می‌خورد. در ادامه زنجیره همبستگی ملی، دیدار رئیس جمهور با کودکان و دانش‌آموزان، جنبه‌ای امیدبخش و آینده‌نگرانه را به نمایش گذاشت. رئیس جمهور، به فرزندان ایران آموخت که مسیر رسیدن به قله‌های موفقیت، از مسیر تلاش های فردی اما در جهت اهداف جمعی می‌گذرد. بر همین اساس او با زبان خیلی ساده به کودکان ایرانی فهماند، هر کودک و نوجوان، آجری در بنای قدرت ملی می‌گذارد و تنها با پشتکار و اتحاد است که می‌توانیم در سربلندی ایران‌مان سهیم باشیم.



این بخش از سخنان رئیس جمهور (با هم بودن برای ساخت ایران قدرتمند) از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که ما در جنگ ترکیبی با دشمن متجاوز به سر می بریم و وحدت و آگاهی عمومی مهم‌ترین مولفه مقابله با جنگ است.

در همین رابطه حسن هانی‌زاده، کارشناس مسائل سیاسی، وحدت داخلی، آگاهی عمومی و قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را مهم‌ترین عوامل ناکامی این جریان‌سازی‌ها دانست و گفت: انسجام ملی، اقتدار کشور و توان نیروهای مسلح موجب شده است بخش قابل توجهی از جنگ ترکیبی و شناختی دشمن خنثی شود. وی اظهار کرد: دشمن در این نوع جنگ از ابزارهای متنوعی همچون فشارهای اقتصادی، عملیات روانی، شایعه‌پراکنی، مسائل امنیتی و موضوعات اجتماعی برای تحقق اهداف خود استفاده می‌کند و مقابله با این اقدامات نیازمند تحلیل دقیق رسانه‌ای، اجتماعی، سیاسی و میدانی است.

کارشناس مسائل سیاسی تاکید کرد: مجموعه فشارهای رسانه‌ای، شناختی و نظامی که علیه ایران به کار گرفته شده، اگر علیه بسیاری از کشورها اعمال می‌شد، می‌توانست به فروپاشی آنها منجر شود، اما وجود مولفه‌های ریشه‌دار اجتماعی، آگاهی مردم و عملکرد نهادهای حاکمیتی موجب شده است این جنگ شناختی به اهداف خود دست نیابد.

کودکان و میراث رهبر شهید

اما آنچه این دیدار را از یک برنامه رسمی خارج کرد، حاشیه گرم و صمیمی آن بود. ابراز علاقه خودجوش و اشتیاق دانش‌آموزان به رئیس جمهور، نشان‌دهنده ارتباط بدون روتوش رئیس جمهور با نسل جدید است. این استقبال صمیمانه، گویای آن است که سادگی رئیس دولت، توانسته پل ارتباطی مستحکمی با نسل جدید بسازد. وقتی به صحنه‌های صمیمی «جشن لبخند وطن» می‌نگریم، ناخودآگاه یاد روزهای خاطره‌انگیز دیدار رهبر شهید با دختران جوان در حسینیه امام خمینی (ره) می‌افتیم. تصاویری که در زمان خود به شدت وایرال شد؛ دیداری که در آن، عالی‌ترین مقام سیاسی کشور، با نگاهی پدرانه و با زبان صمیمی با دختران جوان سخن گفتند. ایشان به دختران جوان آموختند که ایمان، عفاف و علم، نه زنجیر، بلکه بال‌هایی برای پرواز در اوج است، اما این توصیه‌ها زمانی اثر کرد که بر بستر عشق صادقانه ارائه شد!

در اینجاست که درمی‌یابیم این نگاه مهربان و صمیمی به کودکان و جوانان، صرفا رویکرد شخصی یا برنامه گذار برای دولت چهاردهم نیست. این رفتار، تداوم همان برداشت و نظریه‌ای است که آقای شهید ایران آن را در تار و پود مدیریت کشور نهادینه کرد؛ برای جذب نسل جوان، نباید از بالا به پایین سخن گفت، باید در کنار آنها نشست، با آنها خندید و همانند خودشان با آنها گفت‌وگو کرد.

بنابراین، صمیمی بودن رئیس جمهور با کودکان امروز، بازخوانی همان مکتبی است که در حسینیه امام خمینی (ره) توسط رهبر شهید به نمایش گذاشته شد. این یک خط سیر تاریخی است؛ خطی که از نگاه پدرانه رهبر شهید به دختران جوان آغاز شد و امروز در لبخندهای متقابل رئیس جمهور و دانش‌آموزان ادامه دارد. نتیجه این است که ارتباط قلبی با نسل آینده، اصل تغییرناپذیر در مسیر ساختن ایران قدرتمند است. در نهایت، می‌توان گفت که این دو دیدار، تکه‌های یک پازل بودند. رئیس دولت می خواهد بگوید که برای ساختن ایران قدرتمند، باید از «خودتحریمی» دست برداریم و با کلیدواژه وفاق و همدلی کمربندها را محکم ببندیم و با پشتکار به دنبال پیشرفت و تعالی کشورمان باشیم. کشوری که نه تنها در برابر دشمنان مقاوم است، بلکه مسیر پیشرفت و رسیدن به قله را با دو بال جوانان و نخبگان با شتاب بیشتر طی می‌کند.

گزارش «آگاه» درباره موضع‌گیری اخیر فرماندهان نیروهای مسلح را بخوانید
ایران و نقطه‌زنی شناورهای دشمن

هرچند دشمن آمریکایی در جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه ضربات سنگینی از سوی نیروهای مسلح دریافت کرد، اما سلطه‌گری و تکبرش مانع می‌شود، حقیقت را بپذیرد. ایالات متحده سعی می‌کند با تهدیدات توخالی و یاوه‌گویی‌های رسانه‌ای، فضای منطقه را تحت کنترل بگیرد، اما نتوانست با ابزارها و تجهیزاتی که در اختیار دارد پیروز میدان نبرد با «جمهوری اسلامی» شود و به خاطر آنکه از غافله قدرت‌نمایی جا نماند هرازگاهی مرد دیوانه کاخ سفید اظهاراتی پوچ در قبال ایران مطرح می‌کند.



دونالد ترامپ در یک سخنرانی مدعی شد: جنگ با ایران خیلی زود و به هر طریقی پایان خواهد یافت و ما توانایی پایان دادن به آن را در هر صورت داریم. آمریکا مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شده و به هر طریقی که شده، به زودی این کار را تمام خواهیم کرد. رئیس جمهور آمریکا در اظهاراتی دیگر ادعا کرد که ایران دیگر ارتش، نیروی دریایی، نیروی هوایی یا سامانه‌های دفاع هوایی ندارد. این اظهارات ترامپ در حالی است که او با گیر افتادن در باتلاق جنگ در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا با انتقادات فزاینده داخلی و خارجی به دلیل تبعات جنگ و آشفتگی بازار انرژی مواجه است و با لفاظی‌های خود سعی در تعدیل شرایط بحرانی‌اش دارد.

حرف‌های بی‌اساس سکاندار کاخ سفید در حالی بیان شد که چند روزی است فرماندهان میدان دوباره پیام اقتدار و بازدارندگی را به واشنگتن و تل‌آویو منتقل می‌کنند. دیروز دریادار حبیب‌الله سیاری، رئیس ستاد و معاون هماهنگ‌کننده ارتش جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگویی، با اشاره به ضربات نیروهای مسلح به شناورهای دشمن، تصریح کرد: اگر باز هم علیه ایران اقدام کنند، به آنها ضربه خواهیم زد. وی با تاکید بر اینکه ما دست و پا بسته نیستیم و امکانات و توانمندی هایی داریم که در دنیا زبانزد خاص و عام است، اظهار کرد: ما محکم دفاع می کنیم و هر جا لازم باشد، برای ضربه زدن به دشمن اقدام خواهیم کرد. معاون هماهنگ‌کننده ارتش به تهدیدات مستمر دشمن و اقدامات خصمانه متعدد او علیه ایران، اشاره کرد و گفت: ملت ایران به دشمنان اثبات کرد که در برابر آنها می ایستد و مشکلات را تحمل می کند تا شرف و ناموسش، انقلاب و تمامیت ارضی ایران حفظ شود.

۱۸ مهر هم سرلشکر خلبان، علی عبداللهی در حاشیه دیدار با سردار احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه بیش از یک سال دو جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته‌ایم و یکی از جاهایی که مورد غضب دشمنان ما قرار گرفت فراجا بوده است، یادآور شد: علت آن هم این است که مکان‌های زیادی از فرماندهی انتظامی کشور مورد اصابت قرار گرفته است و تعدادی از عزیزان ما به شهادت رسیدند، اما فراجا محکم و استوار ایستاده است.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) خبری هم داد و گفت: شاخص‌های امنیتی بهتر از گذشته شده است و این نشان می‌دهد که همکاران ما در فراجا به ماموریت خود خوب عمل کرده‌اند.

آنچه مشخص است، در سال های اخیر، شاهد الگوی تکراری از سوی ایالات متحده هستیم؛ الگویی که با یاوه‌گویی ها و تهدیدات توهم‌آمیز کلید می خورد و با شکست های میدانی به پایان می رسد. واشنگتن عادت کرده است که با استفاده از ماشین رسانه‌ای خود، تصویری از «برتری مطلق» خلق کند تا از این طریق، اراده ملت‌ها را نادیده بگیرد. اما حقیقت این است که این تهدیدات، پوششی برای پنهان کردن شکست طرف مقابل ـ بخوانید آمریکا و رژیم صهیونی ـ است. تکبر آمریکایی که روزی تمام دنیا را ملک شخصی خود می پنداشت، امروز با حقیقتی تلخ روبه‌رو است؛ منطقه دیگر پذیرای تکبر نیست و زبان تهدید، در برابر زبان قدرت، هیچ اثری ندارد. سرنوشت آمریکا در عراق و افغانستان چه شد؟!

اما نکته‌ای که دشمن را بیش از هر چیز به استیصال می‌کشاند، این است که تهدیدات خارجی زمانی اثر می کند که جامعه‌ای از درون متلاشی یا ناامن باشد. در همین راستا، اظهارات اخیر سرلشکر عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، تکه‌ای حیاتی از پازل امنیتی را تکمیل می کند. تاکید او بر اینکه شاخص های امنیتی امروز بهتر از گذشته شده است و قدردانی از عملکرد فراجا در برقراری نظم، پیامی صریح به دشمن می‌دهد: «ایران در درون خود متحد و امن است.» این ثبات داخلی، در واقع همان دژی است که اجازه نمی دهد نفوذ دشمن از طریق ایجاد آشوب یا ناامنی به ثمر بنشیند.

به هر حال وقتی امنیت در کف خیابان‌ها و شهرها برقرار باشد، اراده ملی برای مقابله با تهدیدات خارجی دوچندان می‌شود. استقرار نظم داخلی، دقیقا همان زیربنایی است که به فرماندهان نظامی ما جسارت می‌دهد تا با اقتدار سخن بگویند. در چنین فضایی که ثبات داخلی به عنوان پشتوانه‌ای محکم عمل می‌کند، سخنان دریادار سیاری، معاون هماهنگ‌کننده ارتش، به عنوان پاسخ متناسب و واقع‌بینانه، تفسیر می‌شود.

در اصل او با لحنی قاطع، حقیقت میدانی را به رخ دشمن کشید و یادآور شد، ایران امکاناتی دارد که امروز در دنیا زبانزد خاص و عام است. وقتی معاون ارتش صراحتا اعلام می‌کند شناورهای دشمن در صورت لزوم هدف قرار می گیرند، در واقع از یک زنجیره موفق سخن به میان می‌آورد؛ زنجیره‌ای که قدرت نمایی آن را در زمین، دریا و هوا می توان دید. این یعنی ایران امروز دست دشمن را خوب می خواند و برای هر سناریویی آمادگی دارد.

تهدید دشمن و دکترین دفاعی ایران

در همین رابطه، اسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، بازدارندگی را یکی از کارکردهای اصلی توان موشکی دانست. این نماینده مجلس با بیان اینکه طرف مقابل در ابتدا تصور نمی‌کرد ایران توانمندی‌های موشکی خود را در میدان به مرحله اجرا برساند، اما اقدامات عملی و تجربه‌های به دست آمده در عملیات های مختلف، قابلیت های این توان را نشان داد، گفت: مشاهده توانمندی‌های موشکی و پهپادی ایران در میدان موجب شد محاسبات طرف مقابل تغییر کند. وی تاکید کرد: نباید نسبت به طرف مقابل اعتماد بی‌محاسبه داشت و باید همواره آمادگی لازم برای شرایط مختلف حفظ شود. البته دکترین نظامی کشور بر دفاع محکم و نفوذناپذیر استوار است و در صورت آغاز حمله از سوی دشمن، پاسخ ایران می‌تواند ماهیت تهاجمی پیدا کند. ایران آغازکننده جنگ نیست، اما در صورت تعرض، پاسخ خواهد داد.

نماینده مردم تهران در مجلس با یادآوری اینکه در آغاز جنگ تحمیلی هشت ساله، ایران از بسیاری از تجهیزات و توانمندی‌هایی که امروز در اختیار دارد برخوردار نبود، اما با اتکا به ظرفیت های داخلی و ایستادگی نیروهای مسلح و مردم توانست در برابر حمله دشمن مقاومت کند، گفت: «تجربه دفاع مقدس به تدریج به توسعه ظرفیت های دفاعی کشور منجر شد و امروز ایران از توانمندی‌هایی برخوردار است که در آن دوران وجود نداشت.»

نتیجه گیری: تضاد میان حرف های توخالی آمریکا و قاطعیت فرماندهان نظامی، تضاد میان توهم و واقعیت است. دشمن باید بداند با کشوری روبه‌رو است که توانسته همزمان، شاخص های امنیتی داخلی را ارتقا دهد و بازوی نظامی خود را در آب های منطقه به سطح زبانزد جهانی برساند. ایران، امروز نه تنها جایگاه امن خود را در درون حفظ کرده، بلکه هر شناوری را که بخواهد خط قرمزهایش را رد کند، با حقیقتی تلخ روبه‌رو می‌کند: نابودی در برابر اراده‌ای که از ثبات و توانمندی بومی خود پاسداری می‌کند.



سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه:

خواستار شناسایی اکو ساید به‌عنوان جرم مستقل بین‌المللی هستیم

دوشنبـه/ ۲۰ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۶۱

ازکیسینجر تا ترامپ؛ تنها راه مهار مستکبران چیست؟

بازدارندگی اتمی؛ تنها زبان مشترک با دشمنان عهدشکن



مطالبه مردم، تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای است. این ترجیع بند سخنان حجت‌الاسلام علی اکبری، خطیب نماز جمعه تهران از تریبون نماز عبادی- سیاسی جمعه بود. وقتی در مهم‌ترین تریبون حاکمیت، یعنی نماز جمعه ام‌القرای ایران اسلامی، از ضرورت تغییر در دکترین هسته‌ای سخن به میان می‌آید، یعنی عزم حاکمیت برای این تغییر و صیرورت، قاطع و جزم است.

وفق فتوایی که امام شهید صادر فرموده بودند، هرگونه به‌کارگیری و استفاده از تسلیحات اتمی حرمت شرعی داشت. بر همین مبنا، ایران اسلامی به سمت ساخت سلاح اتمی نیز نرفت. در اینجا باید دقت شود که امام شهید ما، ساخت تسلیحات اتمی را حرام ندانستند، بلکه استفاده از آن را حرام دانستند. فلذا با توجه به کاربرد بازدارندگی که صرف داشتن سلاح اتمی دارد، بسیاری از شخصیت‌های وطن‌دوست و متعهد معتقدند که باید به سمت ساخت سلاح اتمی و تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای رفت. این امر با عنایت به اینکه ما طی کمتر از یک سال، دو بار مورد تجاوز دو قدرت هسته‌ای قرار گرفتیم، بیش از پیش احساس می‌شود.

تجربه چین و کره شمالی

باید توجه داشت که صرف داشتن سلاح اتمی، بازدارندگی می‌آورد؛ تاریخ گواهی بر این گزاره است؛ در سال ۱۹۴۶ میلادی، انقلاب مائو در چین به ثمر نشست؛ آمریکا این انقلاب را به رسمیت نشناخت و تایوان را نماینده سرزمین چین در سازمان ملل دانست. در دهه ۵۰ میلادی نیز که جنگ دو کره شروع شد، آمریکا در این جنگ مداخله کرد و در اثنای این مداخله نیز، در سودای اشغال زمینی چین بود؛ اما یک رخداد، سبب شد تا آمریکا از دشمنی با چین دست بکشد؛ آن رخداد چیزی جز، اتمی شدن چین در نتیجه اصرار و پایمردی مائو نبود؛ چین در دهه ۶۰ میلادی، یک قدرت اتمی شد؛ بنابراین هنری کیسینجر، مغز متفکر هیات حاکمه آمریکا به پکن رفت و از سردمداران حزب کمونیست چین، تقاضای صلح کرد. خود کیسینجر، بعدها در کتابش نوشت که نمی‌توانستیم با چین اتمی، سرشاخ شویم.

اما چرا راه دور برویم، همین هفته گذشته بود که دونالد ترامپ، رئیس جمهور جنگ طلب و تروریست آمریکا گفت که باید کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی را دوست بدارم؛ چرا که پیونگ یانگ، ۱۱۲ بمب اتم دارد.

آری، وقتی بمب اتم داشته باشید، بزرگ‌ترین آدمکش بین‌المللی یعنی ترامپ هم در برابر شما خاضع و فروتن و خاکسار است. این رسم دنیای سیاست و چیزی است که ما آن را رئال پالیتیک می‌نامیم؛ هرچند عده‌ای در داخل هنوز درگیر سانتیمانتالیسم سیاسی هستند و تصور می‌کنند با دیپلماسی لبخند می‌توانند به مصاف گرگ‌های بین‌المللی بروند. زهی خیال باطل! واقعیت آن است که نباید بمب اتم را که قله بازدارندگی است، با هیچ چیز دیگر تاخت زد؛ اعتماد به نهادهای بین‌المللی و شروری به نام آمریکا و غرب، در این وادی هسته‌ای، خطایی راهبردی و مهلک است که ما در برجام، گرفتارش شدیم؛ دیگر نباید دامن به این خطا آلوده کرد.

در دنیا، قانون جنگل حکمفرماست

آنچه امروز در راهروهای دیپلماسی غرب به عنوان تضمین فروخته می‌شود، نه یک پیمان پایدار، بلکه تله‌ای برای مهار قدرت مقتدرانه هسته‌ای ایران است. تکیه بر تعهدات نانوشته یا توافقات سست‌بنیاد با رژیمی که الفبای سیاستش قانون جنگل است، نه تنها واقع‌گرایی نیست، بلکه نوعی ساده‌انگاری راهبردی است که تنها حاصلش، خلع سلاح روانی و نظامی یک ملت خواهد بود. در جهان بی‌رحم سیاست بین‌الملل، هیچ نهادی، امنیت را به صورت رایگان به کسی هدیه نمی‌دهد؛ امنیت، کالایی است که تنها با تولید بازدارندگی معتبر به دست می‌آید، نه با لبخند و امضای کاغذهایی که در اولین بحران، به جوهر روی کاغذ تبدیل می‌شوند.

در قاموس سیاست بین‌الملل، امنیت یک کالای وارداتی نیست که بتوان آن را از سبد خوش بینی های سیاسی تامین کرد؛ امنیت، محصول نهایی بازدارندگی متقارن و نامتقارن است. وقتی دشمن، ماشین جنگی‌اش را پشت مرزهای ما مستقر کرده و بی‌پروا از گزینه های روی میز و تجاوز مجدد سخن می‌گوید، دعوت پیوسته به خویشتنداری یک سویه، تنها گستاخی طرف مقابل را برای عبور از خطوط قرمز هویتی ما افزایش می‌دهد. ما باید بپذیریم که توازن قوا در دنیای مدرن، با تعارفات دیپلماتیک تغییر نمی‌کند، بلکه با تغییر در مختصات قدرت سخت است که محاسبات دشمن به هم می‌ریزد.

سپر تمدنی ما

تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای، نه یک عقب‌نشینی از اصول، بلکه پاسخی هوشمندانه به تهدیدات وجودی است. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که در آن، مشروعیت یک نظام، نه در منشورهای انتزاعی بین‌المللی، که در توانایی بقای مستقلانه آن تعریف می‌شود. سلاح اتمی، در دستان نظام اسلامی، نه ابزار تهاجم و کشورگشایی، که سپر تمدنی برای محافظت از عزت ملی در برابر یورش گرگ‌های درنده خوی جهانی است؛ ابزاری که در دست مومن، بازدارنده شر است و در دست طاغوت، مایه تباهی و تفاوت ماهوی ما با آنها نیز در همین نیت و راهبری عقلانی، نهفته است. زمان آن رسیده است که جبهه دیپلماسی کشور، خود را از بند سانتیمانتالیسم لیبرال رها کند و با درک درست از منطق قدرت در دنیای آشوب‌زده کنونی، به جای اتکای به وعده‌های پوچ قدرت‌های سلطه‌گر، برتوان درونی و قدرت بازدارنده هسته‌ای تکیه زند. عزت، در گرو قدرت است و قدرت، در دنیای کنونی، تنها در زبان اتم متبلور می‌شود. کسانی که هنوز از طعم خوش توافقات خیالی دهه گذشته می‌گویند، باید بدانند که آن دوران خوش‌باوری استراتژیک به پایان رسیده و امروز، فصل بیدارباش راهبردی است.

وقت بازنگری است

دکترین جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر بر پایه عدم حرکت به سمت ساخت بمب اتم است؛ البته این دکترین، موضوعی غیرقابل تغییر نیست و ممکن است بر پایه نیازهای امنیتی کشور، تغییراتی در آن ایجاد شود. براساس اصول اسلامی ساخت و به‌کارگیری سلاح هسته‌ای و کشتار جمعی جایز نیست اما در صورتی که برای حفظ جان و مال و ناموس مسلمانان و مردم ایران نیاز باشد تا چنین سلاحی ساخته شود، قطعا جمهوری اسلامی ایران در روند توسعه صنعت هسته‌ای خود بازنگری‌هایی صورت داده و اقدام‌های لازم را انجام خواهد داد! در اینجا نیز باید توجه داشت که فتوای شرعی امام شهید، مبتنی بر حرمت استفاده از تسلیحات اتمی است و این حرمت، ناظر بر ساخت این تسلیحات در صورت نیازهای حیاتی ایران اسلامی نیست. کما اینکه امام شهید در بیانات شان در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در نخستین روز سال ۸۶، رسما اعلام کردند: ایران برای دستیابی به دانش هسته‌ای طبق مقررات بین‌المللی عمل کرده است اما اگر قرار باشد با ابزار شورای امنیت بی‌قانونی کنند و حق مسلم ملت ایران را نادیده بگیرند، ما هم می‌توانیم بی‌قانونی کنیم و خواهیم کرد. نئورئالیسم عنوان یک نظریه در علم روابط بین‌الملل است که اشاره به تضمین صلح بین‌الملل از طریق دستیابی کشورها به سلاح هسته‌ای دارد؛ بدین معنا که تجهیز زرادخانه کشورها به سلاح هسته‌ای، سطح بازدارندگی متقابل را در جهان و میان کشورها افزایش می‌دهد و از این طریق صلح و امنیت بین‌الملل تضمین می‌شود. حدود یک دهه قبل، کنت والتز، رئالیست ساختارگرا، در یک مناظره، تلاش ایران برای دست یافتن به سلاح هسته‌ای را طبیعی خوانده و پیش بینی کرده بود اگر تهران متقاعد شود سلاح هسته‌ای می‌خواهد، غیرهسته‌ای ماندنش بی‌ثبات‌کننده‌تر خواهد بود. والتز معتقد بود که ممکن است هسته‌ای شدن ایران مدتی با دیپلماسی یا تحریم به تعویق بیفتد و همچنین احتمال دارد ایران مدتی مثل ژاپن به ظرفیت آستانه رضایت دهد ولی تاکید می‌کرد که رهبران تهران ممکن است به این نتیجه برسند که امنیت ایران بدون سلاح هسته‌ای تامین نمی‌شود.

عبدالحمید همچنان با تروریست‌ها مماشات می‌کند

ترور، سکوت، خیانت

طی روزهای اخیر، بر حجم و گستره اقدامات تروریستی گروهک های ضدامنیتی و ضدمردمی در سیستان‌وبلوچستان افزوده شده است.

در آخرین نمونه از این جنایات، گروهک تروریستی جیش‌الظلم، چند پرسنل انتظامی از جمله خانم دکتر نصرت افتخاری، معاون فرهنگی فراجا در زاهدان را به مظلومانه‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین شکل ممکن به شهادت رساند. همچنین چندین تن از مردم عادی نیز طی روزهای اخیر در مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان، قربانی اعمال تروریستی گروهک جیش‌الظلم و سایر اشرار تجزیه‌طلب در جنوب شرق کشور شده‌اند.

در این میان، آنچه تعجب‌برانگیز است، سکوت تاییدآمیز مولوی عبدالحمید، امام جمعه مسجد مکی زاهدان است. عبدالحمید که برای سوراخ روی دیوار نیز بیانیه صادر می‌کند و خطابه سر می‌دهد، در قبال کشتار مردم و حافظان امنیت مردم در سیستان‌وبلوچستان زبان به کام گرفته است و کلامی در محکومیت این جنایات، به لب نمی‌راند. این سکوت، نمی‌تواند جز تایید ترور و خشونت، معنای دیگری داشته باشد. پس از سیل مطالبات مردمی، سرانجام عبدالحمید، روز گذشته، به مناسبت شهادت مظلومانه دکتر نصرت افتخاری، معاون فرهنگی فرماندهی انتظامی سیستان و بلوچستان پیامی صادر کرد. البته عبدالحمید باز هم ترجیح داد حمله تروریستی به کارکنان نیروی زمینی سپاه و ترور ماموستا گرگیج و سایر شرارت‌های تروریستی گروهک جیش‌الظلم را نادیده بگیرد. در حالی که افکار عمومی در انتظار محکومیت صریح جنایات اخیر علیه نیروهای انتظامی و امنیتی توسط عبدالحمید بودند، وی با بیانیه‌ای دیرهنگام و تقلیل‌گرایانه، تنها به مرثیه‌خوانی سطحی بسنده کرد تا همچنان از پاسخگویی در قبال سکوت‌های پیشین خود در برابر شرارت‌های جیش‌الظلم فرار کند.

آقای صدا، خاموش شده است!

عبدالحمید، خود را صدای بلوچستان می‌نامد؛ آقای صدا، باید به شما گفت که همین چند روز پیش، تروریست‌ها، ماموستا گرگیج، عالم اهل سنت زاهدان را که به خدمت به مردم محروم شهره بود، ترور کردند. شما از یک محکوم کردن خشک و خالی هم دریغ ورزیدید و پیامی تسلیتی برای شهادت ماموستا گرگیج ندادید. آیا چون ماموستا گرگیج، حامی استقلال و عزت و اقتدار ایران اسلامی بود و با زبان رسا و صریح و بران، دشمن متجاوز را محکوم کرده بود، شما از شهادتش، آزرده و متأذی نشدید؟

عدم واکنش به حمله مسلحانه به مینی‌بوس حامل کارکنان نزاجا در نیکشهر و تیراندازی به سمت شهروندان در جکیگور راسک از دیگر موادی است که عبدالحمید نسبت به آنها سکوت کرده است. این در حالی است که علما و معتمدین نیکشهر اقدام تروریستی علیه رزمندگان نیروی زمینی ارتش را تاسف‌بار خوانده بودند.

سکوت انتخاب‌گرایانه در برابر خون ریخته شده مدافعان امنیت و مردم بی‌گناه، پرده از حقیقتی تلخ برمی‌دارد. کسی که تریبون عمومی در زاهدان را به ابزاری برای کنشگری سیاسی روزمره بدل کرده و از کوچک‌ترین مسائل پیرامونی، بیانیه‌های تند و آنچنانی صادر می‌کند، چگونه در برابر جنایت عریان تروریست‌ها، مهر سکوت بر لب می‌زند؟ این سکوت مرگبار، نه از سر مصلحت یا بی‌اطلاعی، که پیامی روشن برای تداوم شرارت است و نشان می‌دهد که قطب‌نمای اخلاقی برخی، تنها زمانی جهت‌نمایی می‌کند که منافع



جناحی یا هویتی خاصی در میان باشد.

بازوی رسانه‌ای و تبیینی جریان تجزیه‌طلب

تروریسم کور، در خلأ محکومیت قاطع شخصیت‌های مرجع و متنفذان محلی، تنفس می‌کند و جان می‌گیرد. وقتی تریبون‌های رسمی در یک منطقه در برابر فجایع امنیتی، رویه ای خنثی و خاکستری در پیش می‌گیرند، در واقع، ضریب امنیت جانی مردم و حافظان نظم را به‌شدت کاهش می‌دهند. این رویکرد دوگانه، نه‌تنها قبح خشونت را در سطح جامعه می‌شکند، بلکه عملا به بازوی رسانه‌ای جریان تجزیه‌طلب بدل می‌شود که هدفی جز پاره‌پاره کردن پیکره واحد ایران و ایجاد گسل‌های خونین قومی و مذهبی ندارد. تاریخ، سکوت‌کنندگان در لحظه فتنه را هرگز نخواهد بخشید؛ چراکه سکوت، در قاموس حق‌طلبی، چیزی جز رضایت به ظلم نیست. وقتی خون فرزندان غیور این مرز و بوم، در جویبار کینه و نفرت تروریست‌های جیره‌خوار بیگانه به زمین می‌ریزد، سکوت، نه نشانه بی‌طرفی، که مشارکت غیرمستقیم در قتل است. عبدالحمید باید بداند، یک شخصیت مرجع اجتماعی و یک تریبون‌دار بیش از هر چیز با مواضع صریح و شجاعانه در لحظات بحرانی تعریف می‌شود؛ بنابراین هرگونه اهمال در محکومیت صریح این جنایات، مشروعیت اخلاقی صاحب تریبون را نزد افکار عمومی بیدار، به شدت مخدوش کرده و او را در جایگاه متهم این تراژدی قرار می‌دهد. این حجم از سکوت در حالی که نخبگان، مردم و نهادهای امنیتی در حال تقابل سخت با عوامل ناامنی هستند، پرسشی بنیادین ایجاد می‌کند: آیا این سکوت، بخشی از یک پازل بزرگ‌تر برای عادی‌سازی ناامنی در جنوب شرق کشور نیست؟ کسانی که مدعی دلسوزی برای مردم‌اند، باید بدانند که امنیت، خط قرمز ملت است و هرگونه لکنت زبان در محکومیت عاملان ناامنی، نه فقط کوتاهی، که همراهی با پروژه استکباری برای تبدیل زاهدان به کانون تنش‌های بی‌پایان است.

مولوی عبدالحمید همواره در برابر اقدامات تروریستی گروهک‌ها در جنوب شرق سکوت کرده، اما نیروهای امنیتی و پلیس را مقصر ناامنی‌ها می‌داند؛ موضعی همسو با روایت رسانه‌های تجزیه‌طلب. آیا این سکوت و تکرار چنین ادعاهایی، پرسش‌هایی جدی درباره موضع او در قبال تروریسم ایجاد نمی‌کند؟ آیا چنین سکوتی جز این است که او حامی تروریسم است؟

نکته تاسف‌بار آنکه، پسر عبدالحمید، یعنی محمد طیب اسماعیل‌زهی نیز وارد گود عناد با نظام اسلامی شده است. او چند روز پیش، همسو با خط رسانه‌ای جریان‌های وهابی ضد ایرانی در سخنانی دروغ و توهین‌آمیز، در مورد انصارالله یمن، فخر محور مقاومت ضد استکباری گفت: این انسان‌های پست و رذل که معلوم نیست در کدام مکتب پرورش یافته‌اند و چه افرادی و چه کسانی اینها را پرورش داده‌اند، به مکه و مدینه موشک و پهپاد می‌زنند! کدام انسان‌ها اینها را تربیت کرده‌اند که به خاطر دشمنی با حکام عرب، به طرف حرمین شریفین، مکه و مدینه، موشک و پهپاد می‌زنند! این در حالی است که علاوه بر بیش از یک دهه محاصره مردم مظلوم یمن توسط حکومت وابسته آل‌سعود، در سال‌های اخیر بارها قداست مکه و مدینه توسط حکومت وهابی با برگزاری فستیوال‌های رقص و نمادهای شیطانی هتک شده است و حتی یک موضع‌گیری از عبدالحمید و پسرش، ضد این جنایات ضد بشری و هتک مقدسات اسلامی صورت نگرفته است؛ اما پسر عبدالحمید، دروغ حمله به مکه توسط انصارالله را دستمایه عقده‌گشایی علیه محور مقاومت کرده است.

به‌رغم جنایات بی‌شمار تروریست‌های جیش‌الظلم علیه مردم و نیروهای حافظ امنیت آنها در سیستان و بلوچستان، مولوی عبدالحمید امام جماعت مسجد مکی زاهدان که خود را حامی مردم سیستان و بلوچستان می‌داند تاکنون حاضر نشده به‌طور رسمی از تروریست‌های جیش‌الظلم برائت بجوید و علیه آنان موضع‌گیری کند.

اشتراکات عبدالحمید و جیش‌الظلم

حتی در مواردی شاهد همسویی و مواضع و منافع مشترک عبدالحمید و تروریست‌های جیش‌الظلم نیز بوده‌ایم؛ برای نمونه، جیش‌الظلم دلیل اقدامات تروریستی خود در چابهار و راسک را ناکام گذاشتن پروژه و طرح توسعه سواحل مکران عنوان کرد و این در حالی است که عبدالحمید اسماعیل‌زهی هم بارها علیه طرح توسعه مکران موضع گرفته است. یکی دیگر از مشترکات عبدالحمید و گروهک تروریستی جیش‌الظلم، نحوه مواجهه آنها با رژیم صهیونیستی است، در مرتبط بودن گروهک تروریستی جیش‌الظلم به رژیم صهیونیستی کمترین تردیدی وجود ندارد و اعضای این گروهک به طور کامل در چارچوب نقشه صهیونیست‌ها برای ناآرام کردن مرزهای شرقی ایران اسلامی حرکت می‌کنند؛ عبدالحمید نیز اگرچه با صهیونیست‌ها مرتبط نیست اما نگاهی به مواضع او در قبال رژیم غاصب صهیونیستی به‌ویژه پس از طوفان الاقصی حاکی از آن است که نامبرده به عنوان کسی که منصب عالی و مورد احترام عالم اهل سنت را یدک می‌کشد به نوعی مماشات با جنایتکاران صهیونیستی معتقد شده است.

برای نمونه، نامبرده چندی پیش نیز در مقام خیرخواهی برای اسرائیل ظاهر شده بود و در اولین خطبه‌های نماز جمعه پس از بازگشت از سفر ترکیه به موضوع جنگ غزه پرداخته و گفته بود که خیر اسرائیل در صلح است چراکه با حملات اسرائیل علیه غزه دنیا علیه اسرائیل شده است! این موضع عبدالحمید تعجب بسیاری از مردم و ناظران را در پی داشت، چراکه او به عنوان یک روحانی اهل سنت به‌جای محکوم کردن رژیم کودک‌کش صهیونیستی و دفاع از مردم مظلوم غزه که غالبا سنی مذهب هستند، ترجیح داده که اولا، موجودیت رژیمی نامشروع همچون اسرائیل را به رسمیت شناسد و ثانیا، در مقام خیرخواهی برای این رژیم سفاک و نسل‌کش ظاهر شود.

سعودی‌ها در برابر حملات پرقدرت انصارالله بی‌دفاع شده‌اند

شاهکار شیران یمنی

در سایه ورود به دومین هفته محاصره هوایی یمن علیه عربستان سعودی و بعد از حمله سنگینی که شنبه شب یمنی‌ها به فرودگاه ملک خالد در ریاض انجام داده و بار دیگر این فرودگاه را به تعطیلی کشاندند، منابع مربوطه گزارش دادند که حریم هوایی عربستان در حال حاضر خالی از هواپیماست.

طبق گزارش منابع عربی، وب‌سایت‌های ردیابی ترافیک هوایی نشان دادند که بیشتر حریم هوایی عربستان سعودی خالی از ترافیک هوایی است. وب‌سایت فلایت رادار ۲۴ که موقعیت پروازهای مسافربری را به صورت زنده نمایش می‌دهد، روز یک‌شنبه اعلام کرد که از ۲۹ فرودگاه غیرنظامی عربستان تنها یک یا دو فرودگاه فعال هستند.

منابع عربی گزارش دادند که عدم حضور هواپیماهای غیرنظامی در حریم هوایی عربستان سعودی نشان‌دهنده موفقیت چشمگیر استراتژی یمن بوده و ثابت می‌کند که سعودی‌ها مجبورند بهای سنگینی به خاطر تکبر خود در یمن بپردازند و به سمت انزوای بین‌المللی بی‌سابقه حرکت می‌کنند.

ضربه کاری به فرودگاه مرکزی سعودی



این وضعیت آسمان عربستان در حالی است که شنبه شب همزمان با اعلام حمله موشکی یمن به فرودگاه شهر الدمام عربستان؛ روزنامه نیویورک تایمز نیز در گزارشی از ضربه کاری یمن به فرودگاه ملک خالد شهر ریاض خبر داد.

به گزارش این روزنامه، منابع آگاه اعلام کردند حمله نیروهای ارتش و انصارالله یمن به فرودگاه بین‌المللی پایتخت عربستان در روز شنبه، دست‌کم ۱۲ کشته و ۵۰ زخمی بر جای گذاشت. به گزارش نیویورک تایمز، این حمله مرگبارترین حمله در یکی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از زمان آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران در ماه فوریه به شمار می‌رود.

در این گزارش آمده است: سه مقام غربی و عربی که از جزئیات این حمله اطلاع داشتند، شمار قربانیان را اعلام کردند. این مقام‌ها به دلیل نداشتن مجوز برای گفت‌وگو با رسانه‌ها، خواستند نامشان فاش نشود.

نیویورک تایمز نوشت: حملات مرگبار و مکرر نیروهای انصارالله به فرودگاه ریاض طی هفته جاری، برنامه‌های محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، برای تبدیل این شهر به قطب جهانی حمل‌ونقل هوایی و فعالیت‌های تجاری را با چالش مواجه کرده است. این حملات همچنین می‌تواند برگزاری رویدادهای مهم بین‌المللی برنامه‌ریزی‌شده برای هفته‌های آینده را مختل کند.

این فقط یک پرده از نمایش قدرت یمن بود

محمد شوکه با تاکید بر اینکه حملات انجام‌شده علیه عربستان تنها بخش کوچکی از توانمندی‌های یمن بوده، هشدار داد که در صورت ادامه شرایط کنونی، طرف مقابل با خسارت‌های سنگینی روبه‌رو خواهد شد.

وی با اشاره به رسیدن موشک‌های یمنی به تل‌آویو و پهپادها به حیفا و یافا، تاکید کرد که انصارالله با شتاب‌زدگی عمل نمی‌کند، بلکه بر اساس اصول و محاسبات مشخص پیش می‌رود و برای غافلگیری‌های بزرگ آماده است.

سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن روز یک‌شنبه با صدور بیانیه‌ای هشدار خود را به همه شرکت‌های هواپیمایی، کارشناسان، کارمندان و مسافران درباره استفاده از فرودگاه‌ها و حریم هوایی عربستان تکرار کرد. در این بیانیه آمده است که این فرودگاه‌ها و آسمان عربستان به‌جز فرودگاه‌های مکه مکرمه و مدینه منوره در معرض هدف قرار گرفتن و میدان عملیات نیروهای مسلح یمن هستند.

سخنگوی نیروهای مسلح یمن از همه طرف‌ها خواست این هشدارها را جدی بگیرند و تاکید کرد که عربستان سعودی مسئولیت هرگونه رهگیری ناموفق را بر عهده خواهد داشت.

نیروهای مسلح یمن همچنین اعلام کرد که به تثبیت معادله‌های اعلام‌شده خود ناظر بر فرودگاه در برابر فرودگاه، محاصره در برابر محاصره و تشدید تنش در برابر تشدید تنش، تا زمانی که اهدافش محقق شود، ادامه می‌دهد.

در روز پنج‌شنبه هفته گذشته نیز یمن به فرودگاه ملک خالد در شهر ریاض حمله کرد. در این حمله که با ترکیبی از موشک‌های بالستیک، کروز و پهپادهای انتحاری انجام شد حداقل یک هواپیمای مسافری روی زمین منهدم شد، چندین هواپیمای دیگر آسیب دیده و چندین نفر از نیروهای سعودی نیز کشته و مجروح شدند.

غرش موشک فلسطین یمنی‌ها

یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت حملات اخیر یمنی‌ها به فرودگاه‌ها، پایگاه‌های نظامی و همچنین تاسیسات انرژی سعودی‌ها استفاده از موشک‌های بالستیک هایپرسونیک مدل فلسطین ۲ است. یک سلاح فوق‌العاده سریع و دقیق که معادلات قدرت را در این درگیری هر چه بیشتر به نفع یمنی‌ها سنگین کرده است.

موشک فلسطین ۲ یک پرتابه بالستیک دو مرحله‌ای با سوخت جامد است که توان رسیدن به سرعت ۱۶ ماخ و بردی بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر را دارد. برآوردها حاکی از این است که موشک مورد نظر در حدود ۱۰ متر طول و ۴.۵ تن وزن دارد و از یک سر جنگی ۵۰۰ کیلوگرمی نیز بهره می‌برد.

کارشناسان خارجی بعد از رونمایی این موشک آن را به نوعی یک طراحی با الگوبرداری و ترکیبی از سری خیبرشکن، فتاح و فاتح ۱۱۰ ایرانی می‌دانند. این موشک با سر جنگی جدا شونده و قابلیت مانورهای سنگین در مرحله نهایی به علاوه سرعت بسیار بالا، توانایی عبور از بسیاری از سیستم‌های پدافندی شناخته شده خصوصا در زرادخانه سعودی‌ها را نیز دارد.

به صورت کلی، ستون فقرات پدافند هوایی سعودی موشک‌های پاتریوت است که اصولا در مقابل پرتابه‌های هایپرسونیک، حرف خاصی برای گفتن ندارند و به همین دلیل بود که در دوره اول ترامپ، عربستان قرارداد سنگینی برای خرید چندین آتش‌بار از سامانه پدافندی ارتفاع بالای تاد را با ایالات متحده آمریکا به امضا رساند.



حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی:

پویش جان‌فدا پیش از هر تحلیلی نیازمند شناخت دقیق است

رمان «تنهاترین دختر جهان» با محوریت مقاومت دختری فلسطینی منتشر شد



«تنهاترین دختر جهان» داستان دختری است که به همراه مادربزرگش در یکی از روستاهای فلسطین زندگی می‌کند و پس از تجربه تلخ جنگ و از دست دادن پدر و مادرش در کودکی، قدرت تکلم خود را از دست داده است. او در شرایطی آکنده از ترس و ناامنی، تصمیم می‌گیرد در برابر اشغال و ظلم تسلیم نشود و برای خانه و سرزمینش کاری انجام دهد.

این رمان با ترکیب فضای واقع‌گرایانه جنگ و عناصر خیال انگیز، روایتی متفاوت از مقاومت ارائه می‌دهد. حضور موجودی ماورایی که تنها دختر توانایی دیدن آن را دارد، یکی از عناصر رازآلود داستان است؛ موجودی که در مسیر مبارزه به دخترکمک می‌کند و ابعاد تازه‌ای به ماجرا می‌بخشد.

داستان با تمرکز بر تجربه‌های این دختر، شجاعت و امید را در دل شرایط دشوار به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که ایستادگی در برابر ظلم، لزوما به امکانات و قدرت فراوان نیاز ندارد؛ گاهی یک تصمیم برای تسلیم نشدن می‌تواند نقطه آغاز مقاومت باشد.

«تنهاترین دختر جهان» همچنین به موضوعاتی چون دوستی، حفظ هویت و پایبندی به باورها می‌پردازد و قهرمانی را به تصویر می‌کشد که با وجود تنهایی و آسیب‌های ناشی از جنگ، خود را ناتوان نمی‌بیند و برای آینده سرزمینش تلاش می‌کند. این رمان با بهره‌گیری از عناصر فانتزی در بستر مسئله فلسطین، تلاش دارد مخاطب را با تجربه‌های انسانی کودکانی همراه کند که جنگ، زندگی و آینده‌شان را تحت تاثیر قرارداده است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

روبه‌روی آینه می‌ایستم و زل می‌زنم توی چشم‌هایم. دست‌هایم را روی آینه می‌گذارم و فشار می‌دهم و توی دلم می‌گویم: ای آینه جادویی، مرا به دنیای درون خودت ببر. چشم‌هایم را می‌بندم و منتظر می‌مانم آینه مرا بکشد تو، اما هرچقدر آینه را هل می‌دهم، فایده‌ای ندارد.

یک نفر دارد به شیشه اتاق می‌کوبد. بیرون تاریک است. صدای خروپف مادربزرگم توی خانه پیچیده است؛ برمی‌گردم. ترس همه وجودم را گرفته است. آهسته آهسته با پاهایی که از ترس دارد می‌لرزد، به طرف پنجره قدم برمی‌دارم. با خودم می‌گویم: نترس. اصلا چرا باید بترسی؟ همیشه که از توی تاریکی غول و دیوها بیرون نمی‌آیند! اینجا که شبیه شهر خودمان نیست! اینجا هنوز آرامش دارد، امنیت دارد.

کتاب «تنهاترین دختر جهان» نوشته مریم کوثری هنرمند از سوی انتشارات ۲۷ بعثت منتشر شد.

تمدید مهلت ارسال آثار به جایزه ادبی یوسف و کنگره شعر دفاع مقدس



مهلت ارسال آثار به پانزدهمین دوره جایزه ادبی یوسف و بیست‌وهشتمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس و مقاومت، ویژه استان تهران، تا ۱۵ آبان ۱۴۰۵ تمدید شد.

علاقه‌مندان به شرکت در پانزدهمین جایزه ادبی یوسف در حوزه داستان کوتاه دفاع مقدس و مقاومت، در سه رده سنی کودک، نوجوان و بزرگسالان و همچنین شاعران متقاضی شرکت در بیست و هشتمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس و مقاومت می‌توانند آثار خود را مطابق محورهای اعلام‌شده در فراخوان‌ها، در قالب فایل Word و همراه با مشخصات کامل و شماره تماس، از طریق پیام‌رسان‌های ایتا و بله به شماره ۰۹۲۲۱۶۰۶۷۶۴ ارسال کنند.

برای کسب اطلاعات بیشتر، علاقه‌مندان می‌توانند با شماره ۱۵۷۸، داخلی‌های ۸۵۵، ۸۵۸، ۸۷۸ و ۶۷۰ تماس بگیرند. دبیرخانه استانی هر دو رویداد در معاونت فرهنگی موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، واقع در میدان ونک، بزرگراه شهید حقانی، انتهای خیابان سرو مستقر است.

ده‌نمکی «پرواز ۶۵۵» را با هوش مصنوعی می‌سازد



فیلم سینمایی «پرواز ۶۵۵» به کارگردانی مسعود ده‌نمکی و با موضوع یکی از تلخ‌ترین حوادث دوران جنگ ایران و عراق، پس از دریافت پروانه ساخت در سال ۱۴۰۲، به دلیل شرایط تولید و تحولات دو سال اخیر با وقفه مواجه شد اما اکنون در آخرین مراحل ساخت قرار دارد.

این فیلم به حادثه پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر می‌پردازد؛ پروازی که ۱۲ تیر ۱۳۶۷ از بندرعباس به مقصد دبی در حرکت بود و بر فراز خلیج فارس توسط ناو آمریکایی «یواس‌اس وینسنس» هدف موشک قرار گرفت. در این حادثه هر ۲۹۰ سرنشین هواپیما جان خود را از دست دادند.

«پرواز ۶۵۵» از جمله پروژه‌های متفاوت سینمایی است که تمامی فرآیند ساخت آن با استفاده از ظرفیت‌های هوش مصنوعی انجام می‌شود؛ رویکردی که امکان بازآفرینی شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و فضاهای مرتبط با این حادثه تاریخی را فراهم می‌کند. با قرارگرفتن این پروژه در آخرین مراحل ساخت، احتمال آماده شدن «پرواز ۶۵۵» برای نمایش در چهل‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر مطرح است.

هنر اسلامی چگونه در دوران استاد حسین بهزاد تنوره کشید؟

حکمت نقش‌های اسلامی

مرگ، برای قلم موهایی که جان در پیکر بی جان رنگ می دمند، هرگز خط پایان نبوده است؛ نقطه‌ویرگولی است میان دو سطر از یک شعر بلند. ۲۱ مهر ۱۳۴۷، وقتی انگشتان استخوانی استاد حسین بهزاد از حرکت بازایستاد، موزه‌ها تنها یک پیکر را بدرقه نکردند، بلکه میراث دار هزار سال خلوت‌گزینی در کارگاه‌های خط و تذهیب به خاک سپرده شد؛ مردی که نگارگری ایران را از کنج موزه‌های فرنگی و تقلیدهای فرسوده قاجاری نجات داد و کالبد نیمه‌جان آن را با خون ادراک مدرن جانی دوباره بخشید. اما حسین بهزاد، قله‌ای منفرد در کویری بی‌آب و علف نبود؛ او بیرق‌دار انتهایی کاروانی بود که قرن‌ها پیش از دل ویرانه‌های نیشابور، کتابخانه‌های هرات، گنبدهای فیروزه‌ای اصفهان و هندسه قدسی دانشمندان عارف راه افتاده بود. برای درک راز خطوط بهزاد، باید تاریخ را ورق زد و به سرچشمه‌هایی بازگشت که در آن، هنر نه یک تزئین صرف، بلکه بازتابی از مکاشفه روح ایرانی در تلاقی با حقیقت اسلام بود.

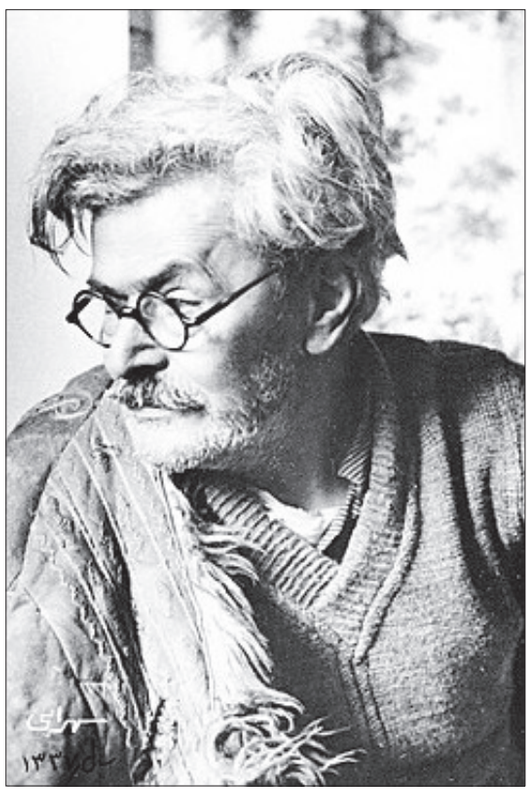

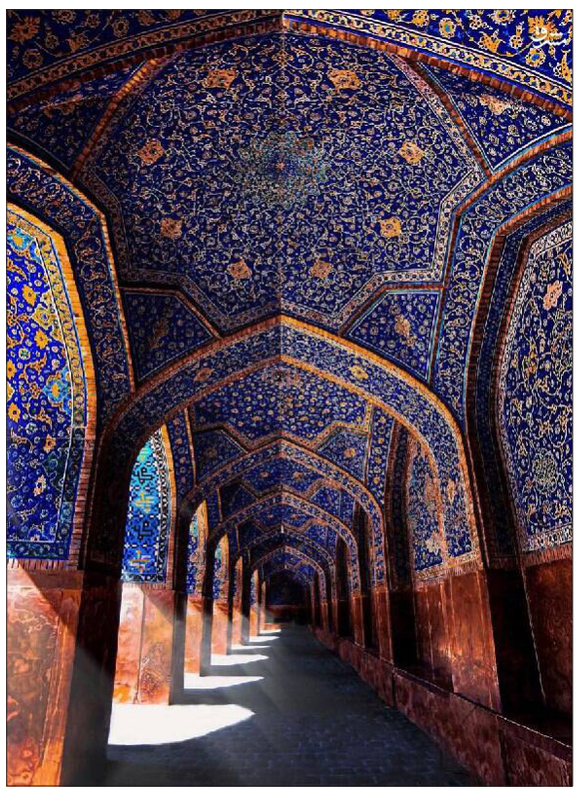

هنر اسلامی از یک تعریف سنتی و موزه‌ای آغاز نمی‌شود؛ با یک دگرگونی بنیادین در شیوه دیدن آغاز می‌شود. برخلاف هنر غربی که ریشه در بازنمایی واقع‌گرایانه، تجسد ماده و تسخیر طبیعت دارد، هنر در جهان اسلام با رویکردی اشراقی پا به میدان گذاشت. جهان مادی در چشم هنرمند مسلمان، سایه‌ای از یک حقیقت برتر و ازلی بود. از همین رو، هنر اسلامی به جای بازتولید پرسپکتیو اقلیدسی و عمق‌نمایی حسی، به عمق معنایی و هندسه بی‌نهایت روی آورد. نقطه آغازین این مسیر شگفت‌انگیز را باید در قرون نخستین اسلامی و ظهور خوشنویسی و نقوش تجریدی جست‌وجو کرد. زمانی که نقاشی فیگوراتیو به دلایل فقهی و فرهنگی با پرهیز مواجه شد، نبوغ ایرانی تسلیم بن‌بست نشد، بلکه راهی تازه گشود؛ اگر صورت مجاز نیست، سیرت به میدان می‌آید. این چنین بود که خط، از ابزاری صرف برای ثبت کلمات، به والاترین جلوه تجرید بصری و رقص هندسی روح تبدیل شد. ابن مقله بیضاوی شیرازی در قرن سوم و چهارم هجری، با ابداع خطوط شش‌گانه (اقلام سته) و پایه‌گذاری نظام هندسی بر اساس نقطه و دایره، کاری کرد کارستان؛ او برای نخستین بار کالبد کلمات را با هندسه‌ای چنان متوازن پیوند زد که گویی کلمات روی کاغذ نفس می‌کشیدند. پس از او، ابن بواب و یاقوت مستعصمی این مسیر را به کمال رساندند تا بستری فراهم شود که برتارک آن، پیوند کلمه و نگاره معنا پیدا کند.

از خون و خاکستر مغول تا ظهور مکاتب خیال

شاید شگفت انگیزترین تناقض تاریخ هنر جهان در فلات ایران رخ داده باشد؛ بزرگ‌ترین جهش‌های تصویری ایران، درست پس از ویرانگرترین تاخت‌وتازها پدید آمد. با یورش ایلخانان مغول و سقوط خلافت بغداد، خاکستر جنگ هنوز گرم بود که پیوند میان عناصر تصویری شرق دور (چین) و ذوق اساطیری و حکمی ایرانی برقرار شد. مکتب تبریز اول در دوره ایلخانی، پنجره‌ای نو به سوی واقع‌گرایی، طراحی فیگور، ابرهای پیچان و کوه‌های صخره‌ای باز کرد. جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله همدانی گواهی زنده بر این بود که چگونه تفکر مدیریتی و حمایتی یک وزیر خردمند می‌تواند از دل آشوب، رنسانسی بصری بیافریند.

اما نقطه عطف واقعی، پیش از رسیدن به عصر صفوی و در دوران تیموریان شکل گرفت. دورانی که در آن نامی درخشید که تا ابد معیار نگارگری ایرانی باقی ماند؛ کمال‌الدین بهزاد. بهزاد هراتی در کارگاه‌های شاهرخ و سلطان حسین بایقرا، تحت حمایت ادیب و وزیری چون امیرعلی شیر نوایی، معجزه‌ای رقم زد. او نگارگری را از قالب خشک و تخت گذشته رها کرد؛ به فیگورها حس، پویایی، حرکات روزمره و چهره‌نگاری فردی بخشید. بهزاد نخستین کسی بود که فرودستان، کارگران ساختمانی و درویشان کوچه و بازار را وارد قاب‌های مقدس شاهنامه‌ها و خمسه‌ها کرد، بی‌آنکه ذره‌ای از شکوه عرفانی اثر کاسته شود. کمال‌الدین بهزاد نشان داد که هنر اسلامی نه تنها از واقعیت نمی‌گریزد، بلکه قادر است ابتذال ماده را با کیمیای رنگ به والایی برساند.

پیش از صفویه: تلفیق عقل، عرفان و هندسه قدسی

غالبا وقتی سخن از اوج هنر اسلامی به میان می‌آید، اذهان بی‌درنگ به سوی میدان نقش جهان و دربار شاه عباس معطوف می‌شود؛ اما بستر آن جهش، قرن‌ها پیشتر به دست حکما و دانشمندانی چیده شده بود که مرز میان فیزیک و متافیزیک، یا هنر و مهندسی را برداشته بودند.

شخصیت‌هایی چون خواجه نصیرالدین طوسی، رصدخانه مراغه را تنها به پایگاهی نجومی تبدیل نکردند، بلکه آنجا کانون گردآوری متون علمی و رسائل ریاضی شد که هندسه نقوش، کاربندی‌ها و مقرنس‌های اسلامی را تغذیه می‌کرد. سال‌ها بعد، این سنت پیوند حکمت، ریاضی و هنر به چهره‌ای یگانه رسید: شیخ بهایی.

شیخ بهاءالدین عاملی تنها یک فقیه یا ریاضیدان برجسته نبود؛ او معمار اندیشه شهری و طراح بصری تمدن صفوی بود. نبوغ شیخ بهایی در سازماندهی فضا، تقسیم آب زاینده‌رود و هندسه شگفت‌آور مسجد امام (جامع عباسی) نشان داد که در تمدن اسلامی، هنر جزئی تفکیک ناپذیر از مهندسی زیست انسان است. کاشی‌های هفت‌رنگ، مقرنس‌های آویخته و شکست‌های نوری که در آثار این دوره دیده می‌شود، همگی ترجمان عینی فلسفه اشراق سهروردی و وحدت وجود بودند که شیخ بهایی و میرداماد بر آن تسلط داشتند. خط و نقاشی نیز در این دوره، همگام با معماری، راهی به سوی بی‌نهایت باز می‌کرد؛ جایی که میرعماد حسنی با قلم سحرآمیز خود نستعلیق را به نقطه اوج هماهنگی بصری و خلوص معنوی رساند و رضا عباسی، چهره‌نگاری تک‌فیگور را به بالاترین سطح از تجلی خطوط سیال و حالات روان‌شناختی ارتقا داد.

عبور از برزخ قاجار

با برافتادن صفویان و ورود به دوران قاجار، پیوند ارگانیک هنر با حکمت باطنی گسسته شد. گرایش شتاب‌زده به نقاشی فرنگی، شیفتگی به پرسپکتیو سطحی غربی و رواج پرتره‌های درباری سنگین و بی‌روح، نگارگری ظریف ایرانی را به حاشیه راند. نگارگری در کارگاه‌های قاجاری به تقلیدی تکراری از مجالس بزم، شبیه‌کشی‌های شاهانه و مینیاتورهای بازاری فروکاسته شد. هنر ظریف مینیاتور، که روزگاری ترجمان سیر و سلوک معنوی کمال‌الدین بهزاد و سلطان محمد خندان بود، در اوایل قرن چهاردهم شمسی عملا به تکراری فرسوده تبدیل شده بود که حتی نگاه مسافران غربی را هم به عنوان اثری اصیل برنمی‌انگیخت. درست در این برزخ تاریخی، نیاز به یک رستاخیز احساس می‌شد؛ نیاز به کسی که هم ریشه در خاک کهن سنت داشته باشد و هم از تندبادهای زمانه نهراسد.

احیاگری با چشم‌های مدرن

اینجا نقطه‌ای است که استاد حسین بهزاد (بهزاد دوم) پای در میدان تاریخ هنر می‌گذارد. او در خاندانی اهل قلم و قلمدان متولد شد؛ از کودکی رنج یتیمی و فقر را چشید و سال‌ها در کارگاه‌های بازار، برای خریداران اروپایی، مینیاتورهای سبک صفوی را کپی کرد. اما این کپی‌کاری مداوم، به جای آنکه او را در قفس سنت حبس کند، او را به استاد بلامنازع شناخت تاروپود، خطوط و رنگ‌های قدما بدل ساخت. رویداد سرنوشت‌ساز زندگی بهزاد، سفر ۱۳ ماهه او به پاریس در سال ۱۳۱۳ خورشیدی بود. بهزاد در موزه لوور با هنر مدرن، آناتومی غربی، نورپردازی رامبراند و روان‌شناسی پرتره روبه‌رو شد. بسیاری در مواجهه با هنر غرب هویت خود را می‌باختند، اما بهزاد نه خودباخته شد و نه تسلیم تقلید کور؛ او اکسیر هنر غرب را شناخت و آن را برای نجات مینیاتور ایرانی به خدمت گرفت.

بهزاد پس از بازگشت، دست به انقلابی بزرگ زد:

۱. رهایی از شلوغی‌های زائد: او نقاشی ایرانی را از تزئینات مکرر و خسته‌کننده پس‌زمینه آزاد کرد و تمرکز را بر خود فیگور و بیان درونی آن گذاشت.

۲. ورود آناتومی و سایه‌روشن: بدون آنکه روح لطیف خط ایرانی آسیب ببیند، بهزاد به پیکره‌ها عضلات، استخوان‌بندی درست و حالتی زنده از ایستایی و پویایی بخشید.

۳. تک‌رنگ‌نگاری و تونالیته‌های بدیع: او نشان داد که نگارگری تنها در گرو رنگ‌های تند لاجوردی و شنگرف نیست؛ می‌توان با غلبه یک رنگ و درجات مختلف آن، شاهکاری خلق کرد که چشم را به سکوت و تماشا دعوت کند.

۴. روان‌شناسی چهره: چهره‌های او دیگر شبیه نقاب‌های از پیش‌ساخته نبودند؛ در نگاه حافظ، خیام، مولانا و فردوسی که توسط او خلق شدند، رنج، تفکر، تردید و شهود موج می‌زد.

زنجیره‌ای که گسسته نمی‌شود

عروج حسین بهزاد در مهر ۱۳۴۷، زنگ خطری برای فرهنگ بصری ما بود؛ یادآوری این نکته که نگارگری، فسیلی در تاریخ نیست، بلکه زبانی زنده و پویاست که اگر نفس‌های تازه نکشد، زیر غبار نوستالژی دفن خواهد شد.

تبارهنری که از هندسه مقدس ابن مقله آغاز شد، از کوران حملات مغول گذشت، در دست‌های کمال‌الدین بهزاد به تشخص رسید، در تفکر شیخ بهایی با شهر و جامعه گره خورد و سرانجام در نوک قلم‌موی حسین بهزاد جانی تازه یافت، به ما می‌آموزد که اصالت، توقف در دیروز نیست؛ توانایی گفت‌وگو با امروز از پایگاه استوار دیروز است.

حسین بهزاد رفت، اما خطوط مواج، نگاه‌های پرراز و رنگ‌های سحرآمیز او به یادگار ماند تا گواهی دهد: هرگاه روح ایرانی اراده کند، می‌تواند از میان آوار بی‌هویتی، رستاخیزی از نازک‌خیالی، نور و زیبایی بیافریند.

از تسخیر اذهان تا بحران حقیقت

بازخوانی دو اثر تازه در عصر رسانه

در سده بیست‌ویکم، ماهیت منازعات سیاسی و بین‌المللی دستخوش دگرگونی بنیادینی شده است؛ اگر در روزگاران گذشته قلمروگشایی و تسخیر خاکریزها از طریق توان نظامی و جنگ‌افزارهای سخت تعریف می‌شد، در جهان به هم‌پیوسته امروز، میدان نبرد اصلی به فضای ذهن، باورها و ادراک جمعی شهروندان منتقل شده است. نبرد روایت‌ها، تصرف شناختی جوامع و مخدوش‌سازی مرزهای واقعیت، امروزه نقشی به مراتب موثرتر و مخرب‌تر از ابزارهای سخت‌افزاری ایفا می‌کنند.

تغییر میدان منازعه؛ از تسلیحات سخت تا مهندسی ادراک

نشر ثانیه با انتشار دو اثر تحلیلی و کاربردی، این دو ساحت مهم از تحولات معاصر را پیش روی جامعه پژوهشی و علاقه‌مندان به مطالعات رسانه و علوم سیاسی قرار داده است: نخست کتاب تحلیلی و تاریخی «جنگ جهانی اطلاعات؛ تاریخ تحلیلی تلاش قدرت‌های جهانی برای تسخیر اذهان» و دوم اثر فشرده و راهبردی «جعل عمیق؛ راه‌های پیمایش حقیقت در عصر دیجیتال». این دو عنوان، با وجود تفاوت در حجم و رویکرد، در یک نقطه کانونی به یکدیگر پیوند می‌خورند؛ چگونگی دستکاری آگاهی و مسخ واقعیت در جهان رسانه‌ای شده.

«جنگ جهانی اطلاعات»؛ تبارشناسی تسلط بر ادراک جمعی

کتاب «جنگ جهانی اطلاعات؛ تاریخ تحلیلی تلاش قدرت‌های جهانی برای تسخیر اذهان»، نوشته دیوید کولون و ترجمه اسماعیل یزدان‌پور، در ۳۳۸ صفحه می‌کوشد پیوند میان رسانه، قدرت و تاریخ منازعات بین‌المللی را کالبدشکافی کند. محور بنیادین آن بر این گزاره استوار است که «اطلاعات» صرفا مجموعه‌ای از داده‌های بی‌طرف نیست، بلکه استراتژیک‌ترین منبع قدرت در دوران مدرن به شمار می‌رود.

دیوید کولون در این اثر نشان می‌دهد که مفهوم جنگ اطلاعاتی نباید به حملات سایبری یا نفوذ در زیرساخت‌های رایانه‌ای تقلیل یابد. از دیدگاه نویسنده، اصل منازعه قدرت‌ها بر سر شکل‌دهی به افکار عمومی، چیره کردن روایت مطلوب بر دیگر روایت‌ها، مشروعیت‌بخشی به تصمیمات حاکمیت، تضعیف روحیه حریف و از اعتبار انداختن گفتمان طرف مقابل شکل گرفته است. کتاب تاکید می‌کند که دستکاری خبر، سانسور، شایعه‌سازی سازمان‌یافته و اهریمن‌سازی از رقیب، ریشه‌ای طولانی در تاریخ روزنامه‌ها، رادیو، سینما و تلویزیون دارند؛ هرچند بستر سایبری و الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی، این فرآیند کهن را پرشتاب‌تر، شخصی‌سازی‌شده‌تر و فراگیرتر کرده‌اند.

نویسنده با ظرافت میان چهار لایه مفهومی که اغلب با یکدیگر خلط می‌شوند، تفکیک قائل می‌شود: نخست جنگ اطلاعاتی؛ نزاع بر سر کسب، اختلال یا انحصار داده‌ها؛ دوم جنگ روانی؛ مهندسی عواطف و اراده مخاطب به منظور فرسایش روحی؛ سوم تبلیغات (پروپاگاندا)؛ سازماندهی هدفمند پیام‌ها برای ترغیب، اقناع یا بسیج توده‌ای و سرانجام جنگ شناختی؛ هدف‌گیری نظام باورها، پردازش فکری و شیوه قضاوت انسان‌ها.

حاصل این تبارشناسی تاریخی، ترسیم مدلی است که در آن مشخص می‌شود هر قدرتی که بتواند فریم‌بندی، زبان و شیوه روایت حوادث را صورت‌بندی کند، عملا توانسته است واقعیت حادثه را به تسخیر خود درآورد.

«جعل عمیق» لرزش ستون‌های استناد در زیست‌بوم پساحقیقت

در سوی دیگر، کتاب کوچک «جعل عمیق؛ راه‌های پیمایش حقیقت در عصر دیجیتال» قرار دارد. این اثر تألیف کونال داس و با ترجمه مجید هدایتی‌نسب، در ۸۴ صفحه از سوی نشر ثانیه روانه بازار نشر شده است.



کتاب به بررسی فناوری جعل عمیق (Deepfake) می‌پردازد؛ پدیده‌ای نوظهور که بر پایه یادگیری عمیق و هوش مصنوعی بنا شده و قادر است صدا، سیمای چهره و کنش‌های انسانی را با دقتی شگفت‌آور و گمراه‌کننده جعل کند. کونال داس فراتر از جنبه‌های فنی، به بحران معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی ناشی از این فناوری می‌پردازد. چالش اصلی جعل عمیق تنها خلق ویدیوها یا سخنان دروغین برای ترور شخصیت سیاستمداران یا بحران‌سازی در روزهای انتخابات نیست، بلکه مخاطره بنیادین آن، فروپاشی اعتبار مفهوم «سند» است. در فضایی که تصویر و صدا دیگر حجیت ذاتی ندارند، پدیده‌ای خطرناک با عنوان «امکان انکار دروغ» یا سود ناویژه دروغ‌گویان (Liar's dividend) شکل می‌گیرد؛ وضعیتی که در آن بازیگران قدرت حتی می‌توانند اسناد کاملا واقعی و خطاهای خود را نیز با ادعای ساختگی بودن، از بنیاد انکار کنند.

عنوان فرعی کتاب، یعنی «پیمایش حقیقت»، گویای رویکرد نویسنده به مسئله است. اثر داس تلاش می‌کند فراتر از شرح هراس، راهکارهایی را برای سنجش، تفکر نقادانه و راستی‌آزمایی در اقیانوس اطلاعاتی عصر دیجیتال به خواننده ارائه دهد. حجم محدود کتاب، آن را به درآمدی سریع و فشرده برای آگاهی‌بخشی عمومی و دانشگاهی بدل ساخته است، هرچند تحلیل جامع حقوقی، جرم‌شناختی و ابعاد نرم‌افزاری آن مستلزم ارجاع به پژوهش‌های گسترده‌تر خواهد بود.

چشم‌انداز پیوند دو اثر در فهم نبردهای آینده

تقارن انتشار این دو اثر توسط نشر ثانیه، تصویری هم‌افزا از پازل پیچیده نبردهای مدرن به دست می‌دهد. کتاب دیوید کولون بستر کلان و تاریخ تحلیلی تسخیر اذهان را کالبدشکافی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه ساختار قدرت از تبلیغات کلاسیک به مهندسی روان‌شناختی تکامل یافته است؛ در سوی دیگر، اثر کونال داس نوک پیکان فناورانه این نبرد را در عصر الگوریتم‌ها و هوش مصنوعی بررسی می‌کند.

خواندن همزمان این دو کتاب، به پژوهشگران علوم ارتباطات، سیاست‌گذاران رسانه‌ای و علاقه‌مندان به روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که نبرد شناختی امروز، ادامه منطقی همان سنت کهن تبلیغات و منازعه هژمونی است که اکنون با پیشرفته‌ترین ابزارهای بصری و هوش مصنوعی تجهیز شده است؛ تلاشی چندبعدی که ضرورت تجهیز به سواد انتقادی، شناخت پیشینه جنگ‌های روانی و پایش دائم جریان‌های اطلاعاتی را دوچندان می‌سازد.

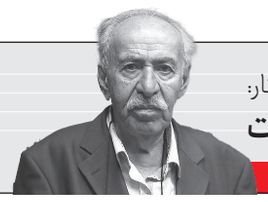

عبدالعلی دستغیب، منتقد ادبی پیشکسوت و چهره ماندگار:

محمدرضا شفیعی‌کدکنی، ذوالفنون زمانه ماست

به بهانه روز بزرگداشت حافظ؛ چطور نقد اجتماعی و روح سرکش حافظ را ندیده گرفتیم؟

رندِ عالم‌سوز را با مصلحت‌بینی چه کار



بیستم مهر و روز بزرگداشت حافظ، هرسال موجی آشنا از ویژه برنامه‌های رسمی، همایش‌ها و همرسانی ابیات مشهور را در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی رقم می‌زند. با این حال، درورای این تجلیل‌های تقویمی و تعارفات معمول، پیوند جامعه ما با شاعر شیرازی به تناقضی تلخ دچار شده. حافظ در الگوی مصرف فرهنگی امروز، بیش از آنکه شاعری جریان ساز، اندیشمندی ژرف‌نگر و منتقدی سازش‌ناپذیر علیه تزویر و ریای زمانه باشد، تا حد شیئی زینتی برای ویترین خانه‌ها و گزین‌گویه‌هایی بی خطر برای فضای مجازی فروکاسته شده است؛ دیوان‌های نفیسی که خریده می‌شوند بی‌آنکه خوانده شوند و غزل‌های پیوسته‌ای که تیغ تک‌بیت‌خوانی، انسجام معنایی آنها را می‌درد تا به کپسول‌های انگیزشی روزمره بدل شوند.

طنزگزنده ماجرا اینجاست که ادعاهای بزرگ درباره کشف اسرار شعرش فراگیر است اما مهارت اولیه در خوانش درست و شناخت ساختار زبانی کلامش روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. متن پیش رو، به بهانه روز بزرگداشت حافظ، درنگی بر این غربت و نقدی بر رویه‌های تزیینی است؛ تلاشی برای عبور از ستایش‌های فرمایشی و بازگشت به خوانش آگاهانه متنی که رسالتش بیداری ذهن بود، نه زینت‌بخشی به طاقچه‌ها و استوری‌ها.

دیوان حافظ در خانه ما

در زندگی روزمره و الگوهای مصرف امروزی، دیوان حافظ گاهی بیشتر از آنکه کتاب باشد، یک شیء تزیینی شیک به حساب می‌آید. کتاب‌هایی با جلدهای چرم، کاغذهای معطر و خطوط چشم‌نواز که قیمت‌های بالایی هم دارند، راهی جهاز عروس یا ویترین پذیرایی می‌شوند تا نشانه فرهنگ و سلیقه صاحب‌خانه باشند. این تبدیل شدن کتاب کلاسیک به کالای دکوراتیو باعث شده رابطه ما با شعر از یک تبادل ایده فکری، به یک نگاه ظاهری تغییر کند. رسانه‌ها و برنامه‌های مناسبتی هم به این رویکرد دامن می‌زنند؛ بیستم مهر چند برنامه روتین می‌سازند، چند غزل معروف را با موسیقی سنتی تلفیق می‌کنند و از فردا حافظ را تا سال بعد فراموش می‌کنند. این توجه مناسبتی به مخاطب این حس را می‌دهد که دینش را به زبان و ادب فارسی ادا کرده است، بدون اینکه زحمت خواندن چند صفحه از کتاب را به خود داده باشد.

توانایی روخوانی درست نداریم، اما نظرات بزرگ می‌دهیم

واقعیت کنایه‌آمیز دیگر در مواجهه با حافظ، مهارت پایین در خواندن ساده متن است. بارها در گفت‌وگوهای روزمره، محافل عمومی و حتی برنامه‌های رسانه‌ای دیده‌ایم که برخی افراد هنگام خواندن یک غزل معمولی از خط کتاب، وزن شعر را می‌شکنند، مکث‌ها را نادیده می‌گیرند و اعراب واژه‌ها را اشتباه ادا می‌کنند. بهاءالدین خرمشاهی در کتاب‌ها و مقالات خود، از جمله در «حافظ‌نامه»، بارها تاکید کرده که فهم شعر حافظ از روخوانی روان و شناخت ساختار زبانی آن شروع می‌شود. اگر خواننده نداند کجای بیت باید مکث کند یا فاعل و مفعول جمله کجاست، کل پیام شعر دگرگون می‌شود. تناقض ماجرا اینجاست که با وجود ناتوانی در روخوانی ابتدایی شعر، عده‌ای درباره فلسفه حافظ، اندیشه پنهان او و مسیر زندگی انسان احکام قطعی صادر می‌کنند. این اعتماد به نفس بدون مطالعه، فاصله را با درک واقعی اثر روز به‌روز بیشتر می‌کند.

تفاوت ایهام شاعرانه با برداشت‌های سلیقه‌ای

یکی از باورهای جا افتاده میان علاقه‌مندان شعر این است که «شعر حافظ آینه دل است و این به این معناست که هرکسی حق دارد هر معنایی می‌خواهد از آن برداشت کند.» این حرف تا حدی به ویژگی چندمعنایی شعر اشاره دارد، اما وقتی افراطی شود، به هرج‌ومرج کامل در فهم متن می‌انجامد. دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی در مباحث مربوط به موسیقی و بلاغت شعر به‌خوبی نشان می‌دهد که ایهام در شعر حافظ، ساختاری هنرمندانه و دقیق دارد و بر اساس قواعد زبان شکل گرفته است. ایهام یعنی شاعر کلمه‌ای به کار می‌برد که دو معنای حساب شده و زیبا بسازد، نه اینکه خواننده بتواند تخیلات و عقاید شخصی خود را به زور به شعر بچسباند. میان لذت بردن از زیبایی‌های کلام با تحمیل کردن فکرهای سلیقه‌ای به حافظ، فاصله زیادی هست.

چهره اصیل حافظ، پشت نقاب پند و اندرزهای ساده

نکته مهم دیگری که در برخوردهای سطحی نادیده می‌ماند، روحیه منتقد و ضد ریای حافظ است. داریوش آشوری در کتاب «عرفان و رندی در شعر حافظ» توضیح می‌دهد که رندی در نگاه حافظ یک موضع‌گیری اجتماعی و انسانی روشن است؛ رند حافظ کسی است که نقاب از چهره زهدفروشان و دین به دنیافروشان برمی‌دارد و تسلیم ظاهرسازی نمی‌شود. عبدالکریم سروش نیز در تحلیل‌های خود پیرامون نفاق در شعر حافظ نشان می‌دهد که بخش مهمی از انرژی شعری خواجه، صرف افشای فریبکاری، سالوس و تظاهر مدعیان زمانه‌اش شده است. با این همه، در تلقی عمومی، حافظ بیشتر به پیرمردی آرام، خوش‌خلق و بی‌خطر تبدیل شده که گویی هیچ کاری جز گفتن چند نصیحت اخلاقی ساده نداشته است. با پاک کردن رندی و نقد اجتماعی از کارنامه حافظ، ما در واقع تندترین و جذاب‌ترین بخش صدای او را خاموش کرده‌ایم.

تقلیل ابیات به جملات انگیزشی اینستاگرامی

گسترش شبکه‌های اجتماعی هم نحوه نگاه ما به حافظ را دگرگون کرده است. امروز بیشتر از آنکه کتاب حافظ خوانده شود، عکس نوشته‌های آن دست به‌دست می‌شود. صفحه‌های مجازی چند واژه قشنگ یا یک بیت معروف را روی عکسی پاییزی قرار می‌دهند و با چند کلمه انگیزشی بازنشر می‌کنند. شعر عمیق حافظ که درباره رنج انسان، گذر زمان و پیچیدگی‌های روح بشری است، هم‌سطح توصیه‌های مثبت‌اندیشی روزمره به نظر می‌رسد. کاربر اینترنتی با لایک کردن و اشتراک گذاشتن این تصویرها خودش را اهل شعر و ادب می‌شمارد، شاید در عمل، حتی نداند آن بیت بخشی از کدام غزل بوده و شاعر اصلا در چه زمینه‌ای آن سخن را گفته است.

بزرگداشت واقعی حافظ با گران‌تر کردن جلد کتاب‌ها یا جمله پردازی‌های پرطمطراق در تلویزیون اتفاق نمی‌افتد. اگر جامعه ما می‌خواهد پیوندی زنده با این میراث بزرگ داشته باشد، باید تعارف و نگاه ویترینی را کنار بگذارد. راه آشتی با حافظ ساده است؛ کتابش را به قصد خواندن باز کنیم، ابیات را با آهنگ و تلفظ درست بخوانیم، نقد تیز او را علیه تظاهر و خودبینی درک کنیم و به پرسش‌های عمیقش درباره زندگی گوش بسپاریم. تا وقتی که حافظ فقط برای ویترین خانه‌ها و پرکردن مناسبت‌های تقویمی به یاد آورده شود، ما تنها به داشتن نام او دلخوشیم، بی‌آنکه کلامش تغییری در ذهن و زبان ما ایجاد کرده باشد.

نیم نگاه

تیغ تیز تک‌بیت‌خوانی، بر گلوی شعر چندلایه

یکی از رفتارهای بسیار رایج با شعر حافظ، بریدن غزل‌ها و تبدیل آنها به تک‌بیت‌های جدا افتاده است. بیتی را روی تابلوی کاشی، حاشیه سررسید، دیوار یک کافه یا زیر عکس شخصی در شبکه‌های اجتماعی می‌نویسیم و حس می‌کنیم روح شعر حافظ را منتقل کرده‌ایم.

بهاءالدین خرمشاهی در کتاب ماندگار «ذهن و زبان حافظ» و به‌ویژه جستار «قرآن و اسلوب هنری حافظ»، پرده از رازِ چندصدایی و گسستگی ظاهری ابیات خواجه برمی‌دارد. او استدلال می‌کند که استقلال و تنوع درونمایه‌ها در غزل حافظ، نه پریشان‌گویی و ضعف پیوند، بلکه محصول نبوغ ساختاری و نوآوری آگاهانه اوست؛ پدیده‌ای که خرمشاهی از آن با عنوان نظریه پاشانی در توضیح استقلال ابیات یاد می‌کند.

خرمشاهی خاستگاه این فرم چندبعدی را در پیوند عمیق و مادام‌العمر حافظ با کلام وحی دانسته و به صراحت می‌نویسد: «ساختار یا ساختمان غزل‌های حافظ که ابیاتش بیش از هر غزل سرای دیگر، استقلال، یعنی تنوع و تباعد دارد، بیش از آنچه متاثر از سنت غزل‌سرایی فارسی باشد، متاثر از ساختمان سوره‌ها و آیات قرآن است.»

به باور او، همان‌گونه که سوره‌های بزرگ قرآن روایتی خطی و تک موضوعی ندارند و پیوسته میان توحید، معاد، احکام، حکمت و قصص در رفت‌وآمدند، حافظ نیز غزلش را بر همین بستر بنا نهاده است. او ساختار تک‌صدایی و عاشقانه سنت پیش از خود- به‌ویژه غزل همگن سعدی- را برهم زد تا مفاهیم عرفانی، رندانه و نقدهای اجتماعی را در یک غزل گرد آورد. خرمشاهی در تبیین این پویایی می‌گوید: «سبک غزلیات حافظ تحت تاثیر قرآن پاشانی است؛ یعنی یک بیت می‌گوید، بیت دیگر در عین تبعیت از بیت دیگر، خودش مستقل است.» این پژوهشگر، پیوند پنهان ابیات را «گسسته بستگی» می‌نامد؛ ساختاری که در آن رشته‌ای نامرئی از موسیقی و حس، ابیاتی مستقل و خودکفا را به یکدیگر پیوند می‌دهد. از منظر خرمشاهی، تک‌بیت‌خوانی با ساختار اصیل شعر حافظ سرناسازگاری ندارد، بلکه دعوت به تماشای گوهرهای تراش خورده‌ای است که هر یک به‌تنهایی، آیتی تمام از جهان فکری شاعرند.

بیش از ۱۶۰۰ تصویربردار راویان مراسم تشییع رهبر شهید



مستند «نمای عمومی» به کارگردانی امیرحسین گتمیری آماده نمایش شد. به گزارش «مهر» این مستند به کارگردانی سیدامیرحسین گتمیری ملقب به «سد خارجی» روایتی از مراسم وداع و تشییع رهبر شهید از زاویه دید مردم به پایان رسید و برای نمایش در جشنواره فیلم مستند «سینما حقیقت» آماده نمایش شد. ایده شکل‌گیری این مستند همزمان با برگزاری مراسم و با انتشار یک فراخوان عمومی آغاز شد. «سد خارجی» در صفحه مجازی خود از شهروندان خواست تصاویر ثبت‌شده خود از این رویداد را ارسال کنند. در ادامه، بیش از ۱۶۰۰ نفر با ارسال تصاویر خود در شکل‌گیری این مستند مشارکت کردند؛ تصاویری که هرکدام بخشی از این مراسم را از زاویه نگاه خود به تصویر کشیده بودند.

«نمای عمومی» در شیوه تولید نیز تجربه‌ای متفاوت را دنبال می‌کند؛ بخش اصلی تصاویر فیلم نه توسط یک گروه فیلمبرداری واحد، بلکه توسط شهروندانی ثبت شده که هرکدام از جایگاهی متفاوت در مراسم حضور داشته‌اند. همین تفاوت در زاویه دید، موقعیت و لحظه ثبت تصاویر، ساختار بصری فیلم را شکل داده است.

در فرآیند شکل‌گیری این مستند، مجموعا بیش از ۱۰ هزار ویدئو مورد بررسی و پایش قرار گرفت و از میان این مجموعه، تصاویر مورد نیاز برای ساخت مستند انتخاب شد. نتیجه این فرآیند، مستندی است که تصاویر ثبت‌شده توسط مردم را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و از میان نگاه‌های متعدد، تصویری واحد از یک رویداد جمعی شکل می‌دهد. این مستند به کارگردانی و تدوین سید امیرحسین گتمیری و تهیه‌کنندگی نوید نیلچی ساخته شده است. امیرحسین فیلسوف‌زاده نیز به عنوان دستیار تدوین در این پروژه همکاری داشته است.

«نمای عمومی» در مرکز هنری رسانه‌ای نهضت تولید شده و برای حضور در جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» آماده نمایش است.

همه ویرانی‌ها را خواهیم ساخت



مجید مجیدی در نخستین نمایش فیلم جدیدش «غذای نیمروز» در جشنواره فیلم بوسان، فیلمش را به مردم دلیر ایران و کودکان مظلوم میناب تقدیم کرد.

به گزارش «ایسنا» این کارگردان پیش از نمایش فیلم «غذای نیمروز» در بخش مسابقه اصلی جشنواره بوسان در صحبت‌هایی کوتاه گفت: «اجازه می‌خواهم از طرف خودم، نمایش این فیلم را به مردم شجاع و دلیر ایران و کودکان مظلوم میناب تقدیم کنم، همانطور که شنیده‌اید ۱۶۸ کودک را در روز اول جنگ (آمریکا و اسرائیل علیه ایران) قتل عام کردند اما مردم همچنان ایستادند و مقاومت کردند. درود می‌فرستیم بر این مردم شجاع که سر تعظیم فرود نیاوردند و نخواهند آورد.

همه ویرانی‌ها را خواهیم ساخت و مردم ایران مقاوم هستند و در برابر ظلم می‌ایستند و استقلال خودشان را حفظ می‌کنند. تنها جرم مردم ایران این است که می‌خواهند استقلال داشته و مستقل باشند.»

سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان از ۶ تا ۱۵ اکتبر ۲۰۲۶ (۱۴ تا ۲۳ مهر ۱۴۰۵) در کره جنوبی برپاست.

همزمان با همایش «سخن عشق حافظ از شیراز تا سمرقند»

اهدای نخستین جایزه حافظانه بهاءالدین خرمشاهی

نخستین جایزه حافظانه بهاءالدین خرمشاهی، همزمان با برگزاری همایش «سخن عشق حافظ از شیراز تا سمرقند»، در دو بخش داخلی و خارجی به برگزیدگان اهدا می‌شود. این مراسم ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۵ با حضور بهاءالدین خرمشاهی در تالار حکمت ساختمان سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار می‌شود.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) همزمان با برگزاری همایش «سخن عشق حافظ از شیراز تا سمرقند» نخستین جایزه حافظانه بهاءالدین خرمشاهی در دو بخش داخلی و خارجی به برگزیدگان اهدا می‌شود. کوروش کمالی‌سروستانی، مدیر دانشنامه فارس ضمن بیان این مطالب افزود: در همایشی که با حضور استاد بهاءالدین خرمشاهی در ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۵ در تالار حکمت ساختمان سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار خواهد شد ناتالیا پریگارینا از روسیه، گئورگی لوبژانیدزه از گرجستان، شریف مراد اسرافیل‌نیا از تاجیکستان، جعفرمحمد ترمذی از ازبکستان، اکرم باقروف از جمهوری آذربایجان و گارنیک گئورکیان از ارمنستان پیرامون زندگی و آثار حافظ و نیز ترجمه دیوان حافظ در کشورهای مختلف به‌صورت مجازی سخنرانی خواهند کرد.

مدیر دانشنامه فارس همچنین گفت: هیات داوران جایزه حافظانه بهاءالدین خرمشاهی از میان کتاب‌های منتشرشده در مورد حافظ در سال ۱۴۰۴ آثار برگزیده را انتخاب کرده است که در این مراسم اسامی برگزیدگان اعلام خواهد شد. بنیان‌گذاری این جایزه ضمن ارج‌گذاری به حافظ و اندیشه و شعرناب او و ادای دینی است به استاد بهاءالدین خرمشاهی که بیش از ۵۰ سال از عمر پربار خویش را عاشقانه برای به بار نشستن شکوفه بن‌های شناخت و معرفی حافظ شیرازی صرف کرده است.

گفتنی است این همایش با همکاری سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، مرکز فرهنگی شهرکتاب، انجمن ایران‌شناسی و دانشنامه فارس در ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه در تالار حکمت مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار خواهد شد.



با هدف آشنایی بیشتر کودکان با هنر نمایش

خانه تئاتر میزبان جشن هفته ملی کودک شد

جشن هفته ملی کودک با اجرای نمایش‌های کودک و نوجوان، برنامه‌های قصه‌گویی، موسیقی و بازی‌های نمایشی، عروسک‌گردانی نمایشگران و برگزاری کارگاه‌های هنری در خانه تئاتر برگزار شد.

به گزارش «آگاه» از روابط عمومی خانه تئاتر، جشن هفته ملی کودک با مشارکت کانون تئاتر کودک و نوجوان و انجمن نمایشگران عروسکی خانه تئاتر و مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برپا شد. هدف از برگزاری این رویداد، آشنایی بیشتر کودکان با هنر نمایش، تئاتر عروسکی و فراهم کردن زمینه حضور و مشارکت کودکان و خانواده‌های‌شان در فعالیت‌های فرهنگی و هنری بود.

در بخش نمایش‌های صحنه‌ای، چهار اثر در سالن جوانمرد خانه تئاتر برای کودکان و نوجوانان اجرا شد. «لولوی آوازه‌خوان» به کارگردانی ریحانه باغبادی، «گرگ بلا، جلو بیا جلو بیا» به کارگردانی سمیرا یزدان‌پژو، «قیچی که دنبال کار می‌گشت» به کارگردانی سعید زین‌العابدین و «کلاویه» به کارگردانی فرزانه میرزایی، آثار این بخش بودند. نمایش «خیمه» با اجرای مسعود حاتمی، قصه‌خوانی تعاملی روشنک کریمی نیز در سه نوبت برگزار شد و کودکان در فضایی تعاملی با قصه و نمایش همراه شدند.

از دیگر بخش‌های جشن، اجرای حرکات موزون با همراهی موسیقی توسط کودکان هنرمند سندرم داون بود که با استقبال حاضران همراه شد. اجرای عروسک‌های نمایشی حامد زارعان در برنامه و اجرای «پسر ویولن‌زن» توسط هوتن آزادی، از دیگر برنامه‌های جشن هفته ملی کودک بود. در بخش فعالیت‌های تعاملی، غرفه‌های کاردستی با مسئولیت زهرا طباطبایی و ساخت عروسک و بازی‌های نمایشی با همراهی طیبه آنجدانی برپا شد. برنامه «قصه، کاردستی و نمایش» با اجرای میترا کریمخانی، گریم کودک با همراهی دانشجویان خانم دلیری و فعالیت‌های عروسک‌گردانی نمایشگران عروسکی نیز از دیگر برنامه‌هایی بود که کودکان و خانواده‌های‌شان در آن مشارکت کردند.



مهدی صفی‌آبادی، عروسک‌گردان عروسک گربه نیز به‌صورت خودجوش در این رویداد حضور یافت و لحظاتی شاد برای کودکان ایجاد کرد. جشن هفته ملی کودک در خانه تئاتر با مجموعه‌ای از اجراهای نمایشی، برنامه‌های هنری و فعالیت‌های تعاملی، فرصتی برای آشنایی کودکان با ظرفیت‌های هنرهای نمایشی و عروسکی و حضور خانواده‌ها در فضایی فرهنگی و هنری فراهم کرد.



سرهنگ اصغر خدایی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ:

امکان عودت اموال مسروقه به محض دستگیری مالخر، فراهم شود

ششمین نمایشگاه توانمندی‌های روستایی بعد از سه روز در تهران به کار خود پایان داد

ظرفیت نادیده روستاها؛ میان دیگ‌های آش و جعبه‌های سوغاتی



صدای موسیقی محلی از محل دائمی نمایشگاه بین‌المللی تهران بین سالن‌ها و غرفه‌ها به گوش می‌رسد. زنان و مردانی با لباس‌های محلی در حال تردد هستند. بازدیدکنندگان مقابل غرفه‌هایی ایستاده‌اند که در آنها خوراکی‌های بومی، صنایع دستی، پوشاک محلی و سوغات استان‌های مختلف عرضه می‌شود. غرفه‌ای با چوب و نشانه‌هایی از طبیعت، یادآور مازندران است. در گوشه‌ای دیگر، معماری خشتی یزد خودنمایی می‌کند و در غرفه سیستان و بلوچستان، کپر به بخشی از طراحی فضای نمایشگاهی تبدیل شده است. در غرفه هرمزگان نیز نوای موسیقی زار به گوش می‌رسد و اتاق عروس بندرکنگ، بخشی از آیین‌های محلی این منطقه را به بازدیدکنندگان معرفی می‌کند.

به گزارش «آگاه» ششمین نمایشگاه توانمندی‌های روستایی و عشایری، پایتخت را برای چند روز به محل گردهمایی تولیدکنندگان، روستاییان و عشایر استان‌های مختلف تبدیل کرده است؛ مردمانی که از مناطق کوهستانی، دشت‌ها، کویرها و سواحل کشور آمده‌اند تا بخشی از داشته‌های خود را در معرض دید شهرنشینان قرار دهند. این نمایشگاه در عین حال، پرسشی را پیش روی بازدیدکننده قرار می‌دهد اینکه آیا توانمندی روستاییان و عشایر را باید عمدتا در محصولاتی جست‌وجو کرد که تولید می‌کنند و به فروش می‌رسانند یا بخش مهم‌تری از این توانمندی‌ها در شیوه زندگی، دانش بومی، مهارت‌های سازگاری با اقلیم و راهکارهایی نهفته است که طی نسل‌ها برای ادامه زندگی در شرایط دشوار به دست آورده‌اند؟ آنچه در نمایشگاه دیده می‌شود، تصویری از فرهنگ و اقتصاد محلی است اما آنچه کمتر در معرض دید قرار می‌گیرد، دانش و تجربه‌ای است که پشت این محصولات و شیوه زندگی قرار دارد.

از تولیدات محلی تا برنامه‌های دولتی

ششمین نمایشگاه توانمندی‌های روستایی و عشایری از ۱۶ تا ۱۹ مهر ۱۴۰۵ در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد. این رویداد با هدف معرفی ظرفیت‌های تولیدی و اقتصادی روستاها، حمایت از کسب‌وکارهای روستایی و عشایری و کمک به توسعه این جوامع شکل گرفت. در این دوره، استان‌های مختلف کشور در بخش‌های سرپوشیده و فضای باز حضور داشتند. غرفه‌های استان‌ها به معرفی محصولات، صنایع دستی، سوغات، پوشاک، زیورآلات، خوراکی‌ها و برنامه‌های فرهنگی اختصاص یافته بود. در کنار آنها، شرکت‌های تعاونی، مجموعه‌های کارآفرینی، صندوق‌ها و دستگاه‌های اجرایی نیز فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را معرفی می‌کردند. وزارت آموزش و پرورش در یکی از سالن‌ها به معرفی مدارس روستایی و عشایری پرداخت و بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی نیز فعالیت‌های خود در روستاها و مناطق محروم را به نمایش گذاشت و به مراجعه‌کنندگان مشاوره ارائه کرد. مراکز فناوری و نوآوری، زنجیره‌های ارزش و واحدهای تولیدی احیاشده نیز از دیگر بخش‌های پیش‌بینی‌شده در این نمایشگاه بودند.

بر اساس اعلام عبدالکریم حسین‌زاده، معاون امور توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری، برای این دوره ۱۵۰ غرفه در فضای باز و ۳۰ چادر عشایری در نظر گرفته شده بود. او همچنین از تعریف ۱۲ زنجیره ارزش، حضور ۱۰ مرکز فناوری و نوآوری روستایی و معرفی ۱۸ الگوی خانه روستایی متناسب با معماری و شرایط اقلیمی استان‌های مختلف خبر داده بود. حضور استان‌ها، دستگاه‌های دولتی و تولیدکنندگان، این نمایشگاه را به رویدادی فراتر از یک بازار فروش تبدیل می‌کرد

با این حال، در جریان بازدید، عرضه محصولات خوراکی و صنایع دستی و اجرای برنامه‌های فرهنگی سهم پررنگی در تجربه عمومی بازدیدکنندگان داشت.

این در حالی است که بخش مهمی از ظرفیت‌های روستایی و عشایری می‌تواند در حوزه‌هایی مانند فناوری‌های سازگار با شرایط محلی، شیوه‌های مدیریت منابع آب، معماری بومی، شناخت اقلیم و راهکارهای پایدار تولید و معیشت قرار داشته باشد حوزه‌هایی که معرفی آنها می‌تواند تصویر کامل‌تری از توانمندی این جوامع ارائه دهد.

طراحی متفاوت غرفه و نمایش آیین‌های محلی

یکی از ویژگی‌های نمایشگاه، تلاش استان‌ها برای معرفی هویت فرهنگی خود از طریق طراحی غرفه‌ها و اجرای برنامه‌های بومی بود. برخی غرفه‌ها با استفاده از مصالح و عناصر طبیعی، به ویژگی‌های معماری مناطق خود اشاره داشتند. هر غرفه مناسب با اقلیم استان طراحی شده بود حتی چادرهای عشایری نیز بیرون از سالن برپا بودند. گروه‌های موسیقی و آیینی استان‌های مختلف نیز با اجرای برنامه‌های محلی، فضای نمایشگاه را از سکوت معمول غرفه‌های تجاری دور می‌کردند.

یکی از غرفه‌داران عشایری خوزستان با اشاره به استقبال مردم از این رویداد گفت که مردم ایران برای جامعه روستایی و عشایری احترام ویژه‌ای قائلند چراکه بسیاری از خانواده‌ها نیز ریشه در مناطق روستایی و عشایری دارند. او با اشاره به امکان اطلاع‌رسانی گسترده‌تر درباره نمایشگاه افزود که اگر تبلیغات و اطلاع‌رسانی بیشتری مانند دوره‌های گذشته انجام می‌شد، حضور مردم می‌توانست پررنگ‌تر باشد. به گفته این غرفه‌دار، تلاش شده بود بخشی از فرهنگ و زندگی عشایر از طریق سازها، غذاهای محلی و آیین‌های سنتی به بازدیدکنندگان معرفی شود.

نمایش این آیین‌ها، فرصتی برای آشنایی نسل جدید با سنت‌هایی است که همچنان بخشی از هویت فرهنگی مناطق مختلف کشور به شمار می‌روند. با این حال، معرفی فرهنگ روستایی و عشایری تنها به نمایش آیین‌ها محدود نمی‌شود چون در پس هر رسم، شیوه‌ای از زیستن، روابط اجتماعی، مهارت‌ها و تجربه‌های انباشته‌شده در زندگی جمعی وجود دارد که می‌تواند موضوع مستقلی برای معرفی و پژوهش باشد.

مسئولان چه می‌گویند؟



جهانبخش میرزاوند، رئیس سازمان امور عشایر ایران، با اشاره به برنامه‌های دولت چهاردهم گفت: پایداری اقتصادی، تنوع بخشی به منابع درآمدی و اقتصادی کردن معیشت روستاییان و عشایر در دستور کار قرار دارد. بهره‌گیری از ظرفیت‌های بوم‌گردی، فرهنگی و تولیدی می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و توسعه این مناطق کمک کند.



عبدالکریم حسین‌زاده، معاون امور توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری از برنامه‌هایی برای معرفی نمونه‌های موفق در حوزه تاب‌آوری روستایی، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و مدیریت محلی خبر داد و گفت: در انتخاب دهیاران برتر قرار نیست تنها اقداماتی مانند آسفالت و جدول‌کشی ملاک باشد بلکه برنامه‌های مربوط به تقویت اقتصاد روستا، مشارکت مدنی و تعاملات اجتماعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. این رویکرد، دست‌کم در سطح هدف‌گذاری، به موضوع مهمی اشاره می‌کند: توسعه روستاها نباید تنها به ارائه خدمات یا توزیع حمایت‌ها محدود شود، بلکه باید توانایی جوامع محلی برای تولید، تصمیم‌گیری و حل مسائل خود را افزایش دهد. تحقق چنین هدفی نیز مستلزم شناخت دقیق مهارت‌ها، دانش و ظرفیت‌هایی است که مردم این مناطق در اختیار دارند.



علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در حاشیه بازدید از نمایشگاه گفت: در کشور ۱۰۴ مدرسه عشایری تک‌دانش‌آموز فعال است و شمار مدارس تک‌دانش‌آموز در مناطق روستایی نیز از هزار مدرسه فراتر رفته است. اعزام معلم به مدرسه‌ای با تنها یک دانش‌آموز، با هدف جلوگیری از محروم ماندن کودکان از آموزش به دلیل دوری از مراکز شهری یا شرایط جغرافیایی انجام می‌شود. وزیر آموزش و پرورش همچنین از فعالیت حدود ۱۷۵ مدرسه شبانه‌روزی ویژه دانش‌آموزان عشایری خبر داد و گفت: شمار هنرستان‌های عشایری از ۱۰۱ به ۱۴۰ واحد افزایش یافته است.



فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی گفت: در دو سال فعالیت دولت چهاردهم، ۱۲ هزار کیلومتر راه روستایی احداث شده و بیش از ۹۰ درصد جمعیت روستایی کشور به راه روستایی دسترسی دارند. راه‌های روستایی علاوه بر تسهیل رفت‌وآمد، در رونق فعالیت‌های اقتصادی، دسترسی تولیدکنندگان به بازار و تقویت معیشت پایدار نقش دارند.

توانمندی روستاییان محدود به فروش خوراک نشود

فاطیما کریمی، خبرنگار گروه جامعه: در نمایشگاه توانمندی‌های روستایی و عشایری، خوراک محلی، صنایع دستی، لباس‌های سنتی، موسیقی و آیین‌های اقوام ایرانی سهم پررنگی در معرفی استان‌ها دارند. این محصولات و برنامه‌ها بخشی ارزشمند از هویت فرهنگی و اقتصاد محلی هستند و عرضه آنها می‌تواند به فروش تولیدات، ایجاد درآمد و معرفی فرهنگ مناطق مختلف کمک کند. مسئله، اصل عرضه خوراک محلی یا نمایش آیین‌ها نیست؛ مسئله این است که آیا این تصویر برای معرفی تمام توانمندی‌های روستاییان و عشایر کافی است؟

یک روستایی و عشایری که در چنین نمایشگاهی حضور پیدا می‌کند، تنها تولیدکننده یک محصول خوراکی یا اجراکننده یک آیین نیست. او ممکن است دانش ارزشمندی درباره خاک، آب، باد، گیاهان، دام، مصالح ساختمانی و شرایط اقلیمی داشته باشد دانشی که طی نسل‌ها و در جریان زندگی در محیط‌های متفاوت شکل گرفته است. اگر قرار است نمایشگاه به معرفی توانمندی‌ها اختصاص داشته باشد، این بخش از تجربه و مهارت نیز باید فرصت دیده شدن پیدا کند.

ایران سرزمین اقلیم‌های متفاوت است از مناطق گرم و خشک و کویری تا نواحی سرد کوهستانی، دشت‌ها و سواحل. مردم هریک از این مناطق برای ادامه زندگی با محدودیت‌ها و فرصت‌های خاص محیط خود روبه‌رو بوده‌اند. زندگی در چنین محیط‌هایی تنها به تولید محصول وابسته نیست. شناخت زمان بارش، نگهداری آب، انتخاب محل سکونت، استفاده از مصالح در دسترس و طراحی فضاهای متناسب با گرما و سرما، بخشی از تجربه زیستن در این مناطق است. ولی چرا در نمایشگاهی که نام توانمندی‌های روستایی و عشایری را برخود دارد، به جای معرفی صرف یک خانه یا پوشش محلی، نشان ندهیم که مردم چگونه خانه‌های خود را متناسب با اقلیم ساخته‌اند؟ چگونه با گرمای شدید تابستان یا سرمای زمستان کنار آمده‌اند؟ چگونه محل سکونت و فعالیت خود را با شرایط جغرافیایی هماهنگ کرده‌اند؟ معرفی چنین تجربه‌هایی می‌تواند به شهرنشینان نیز کمک کند تا با راهکارهای بومی برای سازگاری با محیط آشنا شوند. این دانش لزوما جایگزین فناوری جدید نیست، اما می‌تواند در کنار دانش مهندسی و راهکارهای معاصر، موضوعی برای پژوهش، آموزش و نوآوری باشد. یکی از نمونه‌های روشن دانش بومی ایران، قنات است. سامانه‌ای که در بسیاری از مناطق کشور برای دسترسی و انتقال آب شکل گرفته و به دانش زمین، شیب، مسیر آب و شرایط محلی وابسته بوده است.

چرا در نمایشگاه، این دانش‌ها با ماکت‌های قابل فهم، نمونه‌های معماری، تصاویر مستند، روایت استادکاران و توضیح مراحل ساخت معرفی نمی‌شوند؟ چرا بازدیدکننده نمی‌بیند که یک جامعه محلی چگونه برای حل مسئله آب یا ساخت سرپناه، راهکاری متناسب با محیط خود پیدا کرده است؟ این در حالی است که معرفی چنین دستاوردهایی می‌تواند میان میراث فرهنگی و نیازهای امروز ارتباط برقرار کند. وقتی از توانمندی روستاییان سخن می‌گوییم، باید پرسید چه ظرفیت‌هایی برای استفاده از فناوری در این مناطق وجود دارد و چه کسانی در حال حل مسائل روستاها با ابزارهای جدید هستند.

فناوری روستایی تنها به حضور یک استارتاپ یا نمایش یک محصول در غرفه محدود نمی‌شود. می‌توان درباره سامانه‌های مدیریت آب کشاورزی، پایش وضعیت خاک، پیش‌بینی شرایط جوی، مدیریت هوشمند دام، فروش مستقیم محصولات، فرآوری تولیدات محلی و دسترسی دیجیتال به بازارها نیز صحبت کرد البته به شرط آنکه نمونه‌های واقعی، فعال و قابل ارزیابی برای معرفی وجود داشته باشند.

البته ۱۰ مرکز فناوری و نوآوری روستایی و اختصاص بخشی از فضا به زنجیره‌های ارزش در نمایشگاه حضور داشتند که می‌توانند زمینه‌ای برای معرفی ظرفیت‌های علمی و فناورانه باشند اما لازم است دستاوردها، شیوه کار، مسئله‌ای که حل می‌کنند و نتیجه فعالیت آنها به روشنی برای بازدیدکننده توضیح داده شود. اگر یک تولیدکننده روستایی توانسته با استفاده از فناوری، مصرف آب را کاهش دهد، محصول خود را بهتر فرآوری کند یا به بازارهای تازه دسترسی پیدا کند، معرفی فرآیند و نتیجه کار او به اندازه نمایش محصول نهایی اهمیت دارد.

زندگی عشایری با شناخت مسیرها، شرایط طبیعی، منابع آب و مرتع و نیازهای دام پیوند دارد. کوچ نیز تنها جابه‌جایی از یک نقطه به نقطه دیگر نیست؛ بخشی از شیوه معیشت و زندگی جوامعی است که در شرایط خاص جغرافیایی و اقتصادی فعالیت می‌کنند.

با این حال، در نمایش عمومی زندگی عشایر، آنچه بیشتر به چشم می‌آید لباس، موسیقی، چادر، غذا و آیین‌های سنتی است. این عناصر اهمیت دارند، اما برای شناخت کامل زندگی عشایری کافی نیستند. می‌توان نشان داد که یک خانوار عشایری چگونه برای تامین نیازهای خود برنامه‌ریزی می‌کند، چگونه با تغییر شرایط محیطی روبه‌رو می‌شود، چه مهارت‌هایی در نگهداری دام و استفاده از منابع طبیعی دارد و چه چالش‌هایی در دسترسی به خدمات، بازار و امکانات ارتباطی تجربه می‌کند. چنین روایتی، عشایر را از جایگاه صرفا اجراکنندگان یک فرهنگ دیدنی خارج می‌کند و آنها را به‌عنوان صاحبان دانش، تجربه و مهارت به مخاطب معرفی می‌کند.

روستاییان و عشایر باید فرصت داشته باشند دستاوردهای خود را توضیح دهند، درباره مشکلات‌شان حرف بزنند و راهکارهایی را معرفی کنند که در عمل به کار گرفته‌اند. برای آنکه چنین رویدادی تصویری کامل‌تر از توانمندی‌های روستایی و عشایری ارائه دهد، می‌توان بخش‌هایی مستقل برای معرفی دانش بومی، معماری اقلیمی، مدیریت آب، فناوری‌های روستایی، شیوه‌های سازگاری با تغییرات محیطی و دستاوردهای تولیدکنندگان در نظر گرفت. در این بخش‌ها، نمونه‌های واقعی و قابل بررسی می‌توانند جایگاه اصلی را داشته باشند از ماکت یک سازه بومی و توضیح شیوه عملکرد آن تا روایت مستند یک راهکار محلی، نمایش مراحل تولید، معرفی فناوری‌های کاربردی و گفت‌وگو با افرادی که در این زمینه‌ها تجربه دارند. همچنین می‌شود از دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، معماران، متخصصان آب و کشاورزی، فعالان فناوری و خود جوامع محلی دعوت کرد تا در کنار یکدیگر، درباره پیوند دانش بومی و دانش جدید گفت‌وگو کنند. این اتفاق باعث نخواهد شد موسیقی، خوراک، پوشاک و صنایع دستی کمرنگ شود چون این عناصر بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و اقتصاد محلی‌اند. هدف آن است که در کنار آنها، توانایی مردم در شناخت محیط، حل مسئله، نوآوری و مدیریت زندگی نیز دیده شود.

وام ۵۰۰ میلیونی با ۲۵۰ میلیون هزینه

نصف تسهیلات کجا می‌رود؟

بازار خرید و فروش امتیاز وام با وجود ممنوعیت تبلیغات، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد؛ بازاری که در آن، متقاضی برای رسیدن به تسهیلات بانکی باید هزینه‌ای جداگانه به دارنده امتیاز یا واسطه بپردازد و گاهی پیش از دریافت وام، بخش بزرگی از مبلغ آن را از دست می‌دهد، در این میان، خطر کلاهبرداری نیز جدی است؛ از دریافت پول بابت وامی که هرگز پرداخت نمی‌شود تا گرفتار شدن افراد در تعهدات بانکی و اقساطی که عملا منابع آن در اختیارشان قرار نگرفته است.

پیش از اعمال محدودیت‌های تبلیغاتی، آگهی‌های واگذاری امتیاز وام در پلتفرم‌هایی مانند دیوار به‌وضوح قابل مشاهده بود، حالا نیز دلالان برای ادامه فعالیت، از عنوان‌هایی مانند «ودیعه» و «اعتبار» استفاده می‌کنند یا مشتریان را به کانال‌های تلگرامی و ارتباطات خصوصی هدایت می‌کنند، به این ترتیب، محدودیت انتشار آگهی لزوما به‌معنای توقف معاملات نیست و بازار غیررسمی وام همچنان از نیاز فوری مردم به نقدینگی تغذیه می‌کند.

به گزارش «تسنیم» یکی از دلایل رونق خرید و فروش امتیاز تسهیلات، فاصله میان نرخ سود رسمی و هزینه واقعی دسترسی به وام است. در حالی که نرخ سود برخی تسهیلات بانکی از صفر تا ۲۳ درصد تعیین شده، متقاضی ممکن است برای خرید امتیاز، پرداخت کارمزد واسطه و تامین هزینه‌های اولیه، مبالغ سنگینی بپردازد؛ هزینه‌هایی که در قرارداد رسمی وام به چشم نمی‌آیند، اما فشار اصلی آنها بر دوش دریافت‌کننده تسهیلات است.

در این بازار، صرف اعلام نرخ سود بانکی نمی‌تواند تصویر روشنی از هزینه واقعی وام ارائه دهد. وقتی متقاضی برای دسترسی به پولی که به آن نیاز فوری دارد، ناچار به پرداخت مبالغ سنگین می‌شود، باید مجموع پول دریافتی، هزینه‌های اولیه و اقساط آینده را کنار هم محاسبه کرد؛ در چنین شرایطی، ممکن است هزینه واقعی تامین مالی به‌مراتب بیشتر از نرخ سود رسمی باشد و در برخی معاملات، به ارقام بسیار بالا برسد.

یکی از ابعاد قابل توجه بازار خرید و فروش امتیاز وام، هزینه‌ای است که پیش از دریافت تسهیلات از متقاضی گرفته می‌شود، برای مثال، اگر فردی برای دسترسی به یک وام ۵۰۰ میلیون تومانی، ۲۵۰ میلیون تومان بابت خرید امتیاز و کارمزد بپردازد، عملا نیمی از مبلغ تسهیلات را پیش از استفاده از آن از دست داده است؛ با این تفاوت که تعهد بازپرداخت اقساط همچنان می‌تواند بر اساس کل وام محاسبه شود.

چنین معامله‌ای، هزینه واقعی دسترسی به منابع مالی را به شدت افزایش می‌دهد. متقاضی در ظاهر صاحب یک وام ۵۰۰ میلیون تومانی شده، اما تنها ۲۵۰ میلیون تومان در اختیار دارد و باید برای بازپرداخت تسهیلاتی برنامه‌ریزی کند که مبلغ اسمی آن دو برابر پول باقی‌مانده است. مشکل زمانی جدی‌تر می‌شود که متقاضی بدون محاسبه دقیق هزینه‌ها و اقساط، صرفا بر اساس وعده دریافت سریع پول وارد معامله شود، در این شرایط، وامی که قرار بوده گرهی از مشکلات مالی او بازکند، ممکن است به تعهدی سنگین و طولانی‌مدت تبدیل شود.

خطر بازار غیررسمی تسهیلات فقط به کارمزدهای سنگین محدود نمی‌شود، در برخی معاملات، افراد با وعده دریافت وام یا کسب درآمد از امتیاز بانکی وارد توافق‌هایی می‌شوند که نتیجه آن می‌تواند از دست رفتن پول، باقی ماندن بدهی یا گرفتار شدن در تعهدات بانکی باشد.

یکی از پرخطرترین حالت‌ها زمانی است که تسهیلات به نام یک شخص دریافت می‌شود، اما منابع آن در اختیار فرد دیگری قرار می‌گیرد، در چنین وضعیتی، اگر تعهدات قراردادی به‌صورت رسمی تغییر نکرده باشد، مسئولیت بازپرداخت اقساط همچنان متوجه کسی است که وام به نام او ثبت شده است؛ حتی اگر پول عملا به دست او نرسیده باشد.

در مواردی نیز افراد با وعده‌های مختلف به ضمانت تسهیلات دیگران تن می‌دهند، اما وام‌گیرنده اقساط را پرداخت نمی‌کند یا اساسا منابع تسهیلات در اختیار ضامن قرار نمی‌گیرد، در نتیجه، ضامن ممکن است با مطالبه بدهی، محدودیت‌های بانکی و پیگیری‌های حقوقی روبه‌رو شود؛ در حالی که نه از تسهیلات استفاده کرده و نه لزوما منفعتی از آن به دست آورده است. این معاملات نشان می‌دهد اعتماد به وعده‌های شفاهی یا توافق‌های غیررسمی، به‌ویژه در موضوع ضمانت و انتقال امتیاز وام، می‌تواند پیامدهای مالی سنگینی داشته باشد. واگذاری امتیاز نیز به‌خودی‌خود مسئولیت بدهکار رسمی را از بین نمی‌برد و هرگونه تغییر در تعهدات باید مطابق مقررات و تایید بانک انجام شود.

ممنوعیت تبلیغ، دلالی وام را متوقف نکرد

محدودیت تبلیغات خرید و فروش وام، مسیر فعالیت آشکار واسطه‌ها را دشوارتر کرده است، اما دلالی در این بازار با حذف آگهی‌ها از یک پلتفرم از بین نمی‌رود. تا زمانی که متقاضیان برای دریافت تسهیلات با محدودیت روبه‌رو هستند و برخی افراد حاضرند برای دسترسی سریع‌تر به پول هزینه‌های سنگین بپردازند، واسطه‌ها راهی برای ارتباط با مشتریان پیدا می‌کنند.

استفاده از عنوان‌های غیرمستقیم در آگهی‌ها، معرفی مشتری از طریق شبکه‌های اجتماعی و انتقال مذاکرات به کانال‌های خصوصی، از روش‌هایی است که امکان ادامه فعالیت این بازار را فراهم می‌کند، در چنین فضایی، تشخیص پیشنهاد معتبر از معامله پرخطر نیز برای متقاضیان دشوارتر می‌شود.



علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش:

شایعه الزام دانش‌آموزان به نصب پلاک، کذب است



چالش‌های دسترسی به خدمات سلامت روان

روان‌های خسته؛ نسخه‌های زرد

گاهی فاصله میان نیاز به کمک و رسیدن به اتاق درمان، به اندازه موجودی حساب بانکی است؛ گاهی هم به اندازه تردیدی که درباره صلاحیت درمانگر وجود دارد. کسی که برای اضطراب، تعارض‌های خانوادگی یا شناخت بهتر خود به روانشناس مراجعه می‌کند، انتظار دارد شنیده شود، مسئله‌اش بررسی شود و راهی برای تغییر پیدا کند. اما اگر هزینه جلسات از توان او خارج باشد یا توصیه‌هایی دریافت کند که به سردرگمی‌اش بیفزاید، چه خواهد شد؟ هفته سلامت روان فرصتی برای طرح همین پرسش است: خدمات روان‌شناختی چقدر در دسترس، قابل اعتماد و پاسخ‌گو هستند و مرز میان درمان حرفه‌ای و توصیه‌های آسیب‌زا کجاست؟

درمانی که از سبد زندگی حذف می‌شود

هزینه روان‌درمانی تنها مبلغ یک جلسه نیست. برای کسی که به جلسات مستمر نیاز دارد، این هزینه به تعهدی مالی تبدیل می‌شود که باید در کنار اجاره، خوراک، آموزش و دیگر مخارج زندگی پرداخت شود. وقتی بودجه خانواده محدود است، مراجعه به درمانگر ممکن است عقب بیفتد یا پس از چند جلسه متوقف شود. به این ترتیب، مسئله دسترسی تنها پیدا کردن وقت و مرکز درمانی نیست؛ امکان ادامه دادن درمان نیز بخشی از آن است. وجود تعرفه‌های مصوب خدمات روانشناسی و مشاوره، مبنایی برای تعیین هزینه فراهم کرده، اما اعلام تعرفه به‌تنهایی پاسخ مسئله استطاعت مالی نیست.

نگرانی درباره دریافت مبالغ بالاتر از تعرفه نیز مسئله دیگری است که ضرورت شفافیت را نشان می‌دهد. مراجعه‌کننده باید پیش از آغاز درمان بداند هزینه هر جلسه چقدر است، جلسه چه مدتی طول می‌کشد و پرداخت‌ها بر چه مبنایی محاسبه می‌شود. روشن بودن این اطلاعات، همراه با امکان بررسی تخلف، می‌تواند بخشی از ابهام را کاهش دهد. با این حال، مسئله اصلی همچنان باقی است؛ کسی که به خدمات تخصصی نیاز دارد، چگونه می‌تواند بدون فشار مالی فرساینده، درمان را ادامه دهد؟

حقوق مراجعه‌کننده پشت دربسته

در کنار هزینه، کیفیت خدمات و پاسخ‌گویی درمانگر اهمیت دارد. سنجش آنچه در جلسه روان‌درمانی می‌گذرد، به سادگی بررسی مبلغ یک رسید نیست. تشخیص اینکه یک برخورد، مداخله‌ای حرفه‌ای بوده یا تحقیر و سرزنش، به بررسی تخصصی و شناخت موقعیت نیاز دارد. همین پیچیدگی، ضرورت نظارت موثر، اطلاع‌رسانی درباره حقوق مراجعه‌کننده و روشن بودن مسیر رسیدگی به شکایت را بیشتر می‌کند. دشواری اثبات یک رفتار، نباید به معنای بی‌اهمیت شدن تجربه مراجعه‌کننده باشد.

یک مراجعه‌کننده در این خصوص اظهار کرد که پس از احساس تحقیر در جلسه روان‌درمانی، درباره درستی گفته‌های درمانگر تردید کرده، اما برای پیگیری، با مسئله اثبات محتوای گفت‌وگو روبه‌رو شده است. این روایت به‌تنهایی برای داوری درباره عملکرد یک درمانگر کافی نیست، ولی پرسشی جدی پیش می‌کشد: مراجعه‌کننده چگونه می‌تواند اعتراض خود را مستند و بررسی‌پذیر کند؟ روشن بودن قواعد ثبت جلسات، محرمانگی، رضایت طرفین و رسیدگی تخصصی، بخشی از پاسخ به این پرسش است.

در کنار هزینه‌های درمان و دشواری پیگیری تخلفات، مسئله مهم دیگری نیز وجود دارد: شناخت ناکافی از خدمات روان‌شناختی و تفاوت حوزه‌های تخصصی آن. مراجعه‌کننده ممکن است نیاز به کمک را احساس کند، اما نداند مسئله‌اش به روان‌درمانی فردی مربوط است، به مشاوره خانواده نیاز دارد یا باید از زوج درمانگر کمک بگیرد. این ابهام، انتخاب متخصص مناسب و ارزیابی خدمات دریافتی را دشوار می‌کند.

تخصص، فراتر از عنوان «تراپیست»

سمیه ابراهیمی، روانشناس، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» بخش مهمی از مراجعه‌های سال‌های اخیر را مرتبط با مسائل فردی و شخصیتی می‌داند. وی گفت: شناخت حوزه تخصصی درمانگر اهمیت دارد؛ زیرا مسائل کودک، نوجوان، بزرگسال و زوج‌ها، هرکدام دانش و مهارت متناسب می‌طلبند و نمی‌توان صرفا با اتکا به عنوان کلی روانشناس یا تراپیست، درباره توانایی فرد در همه این حوزه‌ها قضاوت کرد. وی افزود: مشاوره خانواده و روان‌درمانی را نباید یکسان تلقی کرد. به توضیح او، مراجعه با یک مسئله خانوادگی ممکن است نیازمند بررسی الگوهای شخصیتی و فردی مراجعه‌کننده نیز باشد. ابراهیمی درباره زوج‌درمانی هم بر اهمیت شناخت شخصیت و نظریه‌های مربوط به آن تاکید کرد؛ دانشی که به درمانگر کمک می‌کند سهم ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری هر دو نفر را در تعارض‌های رابطه بررسی کند. اما از نگاه ابراهیمی، چالش تنها شناخت حوزه تخصصی درمانگر نیست؛ جهت‌گیری توصیه‌هایی که در فرآیند درمان ارائه می‌شود نیز اهمیت دارد. او یکی دیگر از مسائل را رواج نگاه‌هایی می‌داند که با تاکید افراطی بر فردگرایی، به جای کمک به شناخت و اصلاح روابط، مراجعه‌کننده را به حذف دیگران و قطع ارتباط سوق می‌دهند.

درمان برای ارتباط یا نسخه‌ای برای تنهایی؟

نقد اصلی ابراهیمی متوجه رویکردهایی است که به اعتقاد او، به جای کمک به اصلاح رابطه، حذف رابطه را پیشنهاد می‌کنند. وی در این خصوص گفت: درمان سالم باید به فرد برای زندگی، ارتباط و حضور در جامعه کمک کند؛ از دوستی و ازدواج تا کار کردن و پذیرفتن ضعف‌ها و قوت‌های دیگران. توصیه مکرر به کنار گذاشتن آدم‌ها یا ترک موقعیت‌های دشوار، بدون بررسی زمینه مسئله، نمی‌تواند جایگزین فرآیند درمان شود. وی افزود: در بخشی از توصیه‌های رایج، پاسخ به رنجش از دیگری، قطع ارتباط است و پاسخ به دشواری محیط کار، بیرون آمدن از آن. او این روند را نشانه‌ای از تقویت فردگرایی می‌داند و معتقد است درمان حرفه‌ای باید امکان شناخت، گفت‌وگو و تغییر را بررسی کند. البته نقد توصیه‌های شتاب‌زده به جدایی، نباید با الزام به ماندن در هر رابطه‌ای اشتباه گرفته شود؛ رابطه خشونت‌آمیز یا خطرناک، نیازمند ارزیابی و مداخله متناسب است.

ابراهیمی این نگرانی را در چارچوب نقد اجتماعی نیز مطرح کرد. وی ادامه داد: تضعیف پیوندهای خانوادگی و کاهش ارتباطات می‌تواند فرد را از پشتوانه‌های اجتماعی دور کند. این وضعیت با برخی نگاه‌های سرمایه‌داری مرتبط است. فرد منزوی، آسان‌تر تحت تاثیر و کنترل قرار می‌گیرد.

کودکی، توضیح رفتار یا مجوز تکرار آن؟

موضوع دیگری که این روانشناس بر آن تاکید دارد، شیوه استفاده از تجربه‌های کودکی در توضیح رفتار بزرگسالی است. وی گفت: روانشناسی می‌تواند الگوهایی را شناسایی کند که از کودکی به زندگی بزرگسالی منتقل شده‌اند، اما این بررسی به معنای نسبت دادن همه مسائل به گذشته نیست. شناخت ریشه یک رفتار، زمانی در خدمت درمان قرار می‌گیرد که به فهم و تغییر آن کمک کند. وی افزود: گاهی فرد رفتار نامناسب خود را به پدر، مادر یا تجربه‌های کودکی نسبت می‌دهد و تایید درمانگر را نیز پشتوانه ادامه همان رفتار قرار می‌دهد. ابراهیمی تاکید کرد: چنین توجیهی نباید جای تلاش برای درمان را بگیرد. درنگاه او، فهم گذشته باید با مسئولیت‌پذیری در زمان حال همراه شود وگرنه مراجعه‌کننده ممکن است توضیحی برای مشکل پیدا کند، بی‌آنکه برای تغییر الگوی رفتاری خود قدمی بردارد.

روانشناسی زرد؛ پاسخ‌های آماده برای زندگی پیچیده

ابراهیمی درباره توصیه‌های فضای مجازی نیز هشدار داد و گفت: در برخی نگاه‌های افراطی، خانواده و رابطه مرتب تخریب می‌شوند و جدایی یا قطع ارتباط، به پاسخی عمومی تبدیل می‌شود. وی افزود: شناسایی افراد غیرحرفه‌ای و مقابله با فعالیت آسیب‌زای آنان ضروری است؛ زیرا مخاطب ممکن است توصیه‌ای کلی را برای موقعیتی شخصی به کار ببرد که ابعاد آن بررسی نشده است. هفته سلامت روان فرصتی است تا در کنار ضرورت مراجعه، درباره کیفیت آنچه به نام درمان ارائه می‌شود نیز پرسش کنیم. کاهش هزینه‌ها، نظارت موثر و آگاهی مراجعان از حقوق خود، باید با تمایز روشن میان روان‌درمانی حرفه‌ای و توصیه‌های زرد همراه شود. معیار موفقیت درمان، صرفا یافتن مقصری در گذشته یا کم کردن آدم‌های زندگی نیست؛ مهم این است که فرد بتواند خود را بهتر بشناسد، مسئولیت رفتارش را بپذیرد و درباره روابطش آگاهانه تصمیم بگیرد. کسی که برای رهایی از رنج به اتاق درمان پناه می‌برد، حق دارد با اطمینان از صلاحیت و پاسخ‌گویی درمانگر، مسیر بهبود را دنبال کند.

درجست‌وجوی معنای رنج

پاتک‌هایی به فرهنگ «بی‌حسی سازمان‌یافته»

پروین قائمی، آگاه مسائل اجتماعی: تله «زندگی حبی» چرا مدیریت مدرن رنج، ما را بدبخت‌تر می‌کند؟

در دنیای امروز، ما با پدیده‌ای متناقض و عجیب روبه‌رو هستیم: هرچه ابزارهای رفاه مادی پیشرفته‌تر و دسترسی به خدمات بهداشت روان گسترده‌تر می‌شود، میزان اضطراب، افسردگی و احساس تنهایی در میان نسل جدید، به‌ویژه در جوامعی که ادعای پیشرفت دارند، افزایش می‌یابد. گویی در یک تضاد دردناک گرفتار شده‌ایم. تمدنی که ادعا می‌کند برای هر مشکلی راهکاری تکنیکی دارد، اما در مواجهه با بنیادی‌ترین نیازهای روح انسان و پرسش‌های وجودی او، درمانده و بیچاره است.

بسیاری از جوانان ما، تحت تاثیر جریانی که آن را «مدرنیته» می‌نامیم، به طور کورکورانه رویکردهای غربی در مواجهه با رنج را پذیرفته‌اند. این رویکردها عمدتا بر محور دو واژه می‌چرخند: «مدیریت» و «حذف». در این الگوواره، هر تپش اضطراب، یک «اختلال» تعریف می‌شود که باید مدیریت شود و هر لحظه تنهایی، یک «بحران» است که باید با ابزارهایی مانند شبکه‌های اجتماعی یا داروهای شیمیایی درمان شود. در واقع، مدرنیته به ما آموخته است که هرگونه احساس منفی، یک «خطا» در سیستم است که باید سریعا برطرف شود.

لئو بوسکالیا، متفکر و روانشناس برجسته، در نقدی گزنده و جسورانه به فرهنگ مصرف‌گرای غربی، اصطلاح تکان‌دهنده «زندگی حبی» را به کار می‌برد. او با نگاهی طنزآلود اما تلخ، اشاره می‌کند که انسان مدرن چنان از تحمل کوچک‌ترین فشارها، تلاطم‌های روحی و رنج‌های طبیعی زندگی گریزان است که برای هرثانیه از وجودش، قرصی اختراع کرده است؛ قرصی برای خوابیدن، قرصی برای بیدار شدن و فهرستی بی‌پایان از داروها برای ساکت کردن دردهای روحی. بوسکالیا حتی مصرف مفرط و تخصصی انواع شامپوها و لوازم بهداشتی را نمادی از این گریز از سختی می‌بیند؛ تلاشی برای ایجاد یک حباب پوششی از رفاه که انسان را از هرگونه اصطکاک با واقعیت دور کند.

اما نتیجه این «بی‌حسی سازمان‌یافته» چیست؟ خلق موجودی شکننده و درمانده که نوک سوزنی درد را تحمل نمی‌کند و در نهایت، در اوج رفاه مادی و در میان انبوهی از امکانات، دچار احساس پوچی و بدبختی عمیق می‌شود. چرا؟ چون همان‌طور که ماهیچه برای قوی شدن نیاز به فشار دارد، روح نیز برای تکامل، نیازمند عبور از رنج‌های معنادار است و برای رشد، به «اصطکاک» نیاز دارد. وقتی ما هر تپشی را با یک قرص ساکت می‌کنیم، در واقع سیستم ایمنی روحی انسان را فلج می‌کنیم.

تراژدی بزرگ در فضای داخلی ما این است که متاسفانه متولیان آموزشی و فرهنگی، در انتقال جایگزین‌های درخشان و اصیل دینی و ادبی این سرزمین به نسل جدید، ناکام بوده‌اند. ما در یک شکاف عمیق میان «میراث» و «نسل» قرار گرفته‌ایم. از یک سو، متولیان یا جوانان را به حال خود رها کرده‌اند تا در تله فرهنگ مصرفی و متدهای تسکینی غربی بیفتند و از سوی دیگر، هرگاه خواسته‌اند مفاهیم اصیل را ارائه دهند، به زبان شعاری، خشک و تحکمی سخن گفته‌اند؛ زبانی که با ساختار ذهنی و نیازهای انسان امروز سازگار نیست. در نتیجه، نسل جدید به اشتباه گمان می‌کند که «علم» و «راهکار» تنها در متدهای غربی است و ریشه‌های فرهنگی و عرفانی خود را، به دلیل نحوه ارائه نادرست، «قدیمی، خرافی و ناکارآمد» می‌بیند.

اما با نگاهی استدلالی به فرهنگ اصیل خود، درمی‌یابیم که ما رویکرد «تکاملی» داریم، نه «تسکینی». ما به جای «مدیریت اضطراب» که تلاشی برای ساکت کردن روح است، مفهوم «شوق» را داریم. در این نگاه، بی‌قراری نه یک بیماری، بلکه تپشی برای رسیدن به حقیقتی برتر و بیدار شدن از خواب غفلت است. در اشعار عرفای ما که سراسر حکمت و روانشناسی عمیق است، اضطراب در برابر آینده یا تلاطم‌های درونی، به «شوق دیدار» و «تشنگی برای حقیقت» تبدیل می‌شود. کسی که این عینک را به چشم می‌زند، می‌فهمد که لرزش دست‌هایش در مواجهه با تغییرات زندگی، در واقع «جوانه زدن کنجکاوی» و فراخوانی برای رشد است، نه نشانه‌ای از ضعف یا بیماری. در اینجا، رنج نه یک مانع، بلکه یک «پیش‌ران» است.

در مورد تنهایی نیز، در حالی که جهان مدرن سعی می‌کند حفره‌های خالی روح را با ارتباطات سطحی و مجازی پر کند، فرهنگ ما تفکیکی بنیادین و نجات بخش میان «وحشت تنهایی» و «شکوه خلوت» قائل است. تنهایی، وضعیتی دردناک از گسست است، اما خلوت، وضعیتی لذت‌بخش از پیوستن به خویشتن و خالق است. خلوت در عرفان ما، «میز کار روح» است؛ جایی است که انسان از تکاپوی بیهوده برای دیده شدن در چشم دیگران و تشنگی برای تایید‌های بیرونی دست می‌کشد تا در سکوتی معنادار، با حقیقت خویش آشنا شود. تبدیل «تنهایی غم‌انگیز» به «خلوت جادویی»، بزرگ‌ترین درمانی است که می‌توان برای افسردگی عصر مدرن تجویز کرد.

حتی در بحث پذیرش تفاوت‌ها، تفاوت بنیادین میان «تولرانس» (تحمل سرد) و «عشق» (وحدت در کثرت) مشهود است. مفهوم «تولرانس» که در غرب ترویج می‌شود، در واقع یک صلح اجباری و سرد است؛ یعنی «من تو را تحمل می‌کنم چون قانون یا قراردادهای اجتماعی چنین می‌گویند.» در این نگاه، تفاوت‌ها «مانع» هستند و فقط مدارا می‌شوند. اما فرهنگ ما، تفاوت‌ها را «تکمیل‌کننده» می‌بیند. مفهوم «وحدت در کثرت» به ما می‌آموزد که هر انسانی آیینه‌ای است که بخشی از حقیقت مطلق را بازمی‌تاباند. در این نگاه، ما با تفاوت‌ها «کنار نمی‌آییم»، بلکه می‌فهمیم که اگر هر یک از این رنگ‌های متفاوت در تابلوی هستی نباشند، «پازل خوشبختی بشری» ناقص می‌ماند و هر تفاوت، در واقع یک فرصت برای یادگیری و تکامل است.

در نهایت باید گفت که بشر امروز، بیش از آنکه به قرص‌های آرام‌بخش، اپلیکیشن‌های مدیریتی یا متدهای روان‌شناختی صرفا تکنیکی نیاز داشته باشد، به «معنا» نیاز دارد. رنج بدون معنا، شکنجه است؛ اما رنج با معنا، تکامل است. ما باید بتوانیم مفاهیم عمیق فرهنگ خود را از غبار شعارهای قدیمی پاک کنیم و آنها را به زبانی مدرن، استدلالی، انسانی و به دور از تحمیل، در اختیار نسل جدید قرار دهیم.

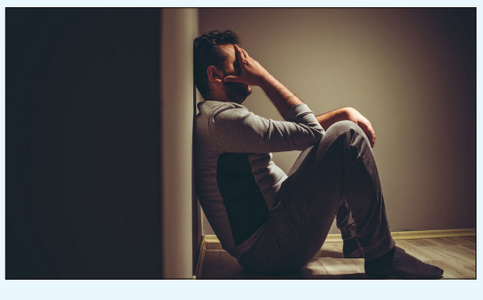

باید به جوانان بیاموزیم که رنج، ابزار نابودی نیست، بلکه وسیله بیداری است. راه نجات از «زندگی حبی» و گریز از پوچی مدرنیته، نه در حذف رنج، بلکه در «معنا بخشیدن به رنج» و عبور شجاعانه از دل تلاطم‌ها برای رسیدن به تکامل است. زمان آن رسیده است که دوباره یاد بگیریم چگونه با رنج‌های مان دوست شویم، زیرا تنها از دل همین تلاطم‌هاست که انسان، حقیقت خویش را بازمی‌یابد.

سلامت روان پشت دیوار کمبودها



رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به چهار چالش سلامت روان، از توسعه مشاوره تخصصی، افزایش حمایت مالی از مراجعان و اختصاص ۸۰ میلیارد تومان برای پیگیری افراد در معرض خطر خودکشی خبر داد.

به گزارش «آگاه» سیدجواد حسینی در نشست تخصصی بهره‌گیری از تجربه‌های زیسته در حوزه سلامت روان، چهار چالش اصلی این حوزه را عقب‌ماندگی ساختاری و اداری، ضعف یکپارچگی نظام سلامت، پایین بودن پذیرش اجتماعی خدمات سلامت روان و اجتماعی و افزایش نیاز به مداخلات روان‌شناختی در شرایط پرشتاب و پیچیده امروز عنوان کرد. وی اظهار کرد: سلامت باید در ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی مورد توجه قرار گیرد و مدیریت یکپارچه‌ای در حوزه‌های درمان، پیشگیری و توانبخشی حاکم باشد؛ در حالی که در هر دو زمینه با چالش‌هایی مواجه هستیم.

حسینی افزود: از نظر نیروی انسانی، تجهیزات، منابع و ساختارهای اداری، تناسبی میان جایگاه سلامت روانی و اجتماعی و میزان برخورداری این حوزه از امکانات وجود ندارد. همچنین برای شناخت و پذیرش عمومی سلامت اجتماعی و اهمیت آن در زندگی مردم باید تلاش بیشتری صورت گیرد.

رئیس سازمان بهزیستی کشور، تخصصی‌سازی حوزه مشاوره و روانشناسی را نخستین راهبرد این سازمان دانست و گفت: مراکز مشاوره در قالب ۱۰ تیپ فعالیت می‌کنند و تلاش داریم مراکز تخصصی در حوزه‌هایی مانند سالمندی، پیشگیری از خودکشی، ازدواج و اوتیسم شکل بگیرند. وی افزود: حدود ۱۵ هزار مشاور در مراکز مشاوره فعالیت دارند و برنامه تربیت مشاوران متخصص در حوزه سالمندی به حدود چهار هزار نفر رسیده است. همچنین ۵۱۰ مرکز مشاوره دولتی در این شبکه فعالیت می‌کنند. حسینی از رتبه‌بندی مراکز مشاوره و برنامه رتبه‌بندی مشاوران خبر داد و فراگیرسازی خدمات مشاوره و مقابله با فقر دسترسی را دومین راهبرد اساسی بهزیستی عنوان کرد. وی گفت: سال گذشته حدود ۵۰۰ هزار نفر، از آموزش‌های خانواده، نوجوانی، والدگری و مهارت‌های زندگی بهره‌مند شدند. در چارچوب طرح سلام نیز ۲۷۵۰ مرکز سلام محله ایجاد شده است که می‌توانند بستری برای ارائه خدمات پیشگیرانه، مشاوره و راهنمایی باشند.

رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به تدوین شیوه‌نامه مشاوره اینترنتی افزود: یاری برگ مشاوره برای کمک به اقشار کم‌برخوردار از ۴۰ میلیارد تومان در سال گذشته به ۱۰۰ میلیارد تومان در سال جاری افزایش یافته است. حسینی گفت: در تهران، طرح پیگیری وضعیت افرادی که اقدام به خودکشی کرده بودند، اما این اقدام به فوت آنان منجر نشده بود، اجرا شد که بر اساس نتایج اعلام‌شده، میزان خودکشی ۱۳ درصد کاهش یافت. وی ادامه داد: برای پیگیری مستمر وضعیت این افراد و جلوگیری از تکرار اقدام، ۸۰ میلیارد تومان اعتبار اختصاص داده‌ایم و شیوه‌نامه مربوط نیز برای توسعه برنامه به سراسر کشور تدوین شده است.

حسینی همچنین از آغاز آزمایشی غربالگری هشت اختلال در کودکان و نوجوانان جامعه هدف بهزیستی در پنج استان خبر داد و گفت: پس از ارزیابی نتایج، گسترش این طرح به تمام کودکان کشور در دستور کار است.

چگونه بسته «چشم‌روشنی» نوزادان تهرانی را دریافت کنیم؟



رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران از فعال شدن بسته حمایتی چشم‌روشنی برای بیش از ۳۴ هزار نوزاد متولد سال ۱۴۰۵ در تهران خبر داد؛ بسته‌ای که تا دو سالگی کودک به‌صورت ماهانه شارژ می‌شود.

به گزارش «مهر» مریم اردبیلی، رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران در گفت‌وگو با شبکه خبر، با تشریح جزئیات بسته حمایتی «چشم‌روشنی» ویژه نوزادان تازه متولدشده در شهر تهران اظهار کرد: این بسته با هدف استقبال از شهروندان تازه متولدشده و حمایت از خانواده‌های آنان طراحی شده و مادران نوزادانی که از ابتدای سال ۱۴۰۵ متولد شده‌اند، می‌توانند از خدمات آن بهره‌مند شوند. وی با بیان اینکه این بسته به‌صورت ماهانه شارژ می‌شود افزود: اعتبار اختصاص‌یافته در قالب کیف پول و از طریق پلتفرم شهرزاد در اختیار مادران قرار می‌گیرد و خانواده‌ها می‌توانند از آن برای تامین بخشی از نیازهای معیشتی، سلامت، فرهنگی، ورزشی و گردشگری خود استفاده کنند.

مشاور زنان و خانواده شهردار تهران ادامه داد: بخشی از اعتبار این بسته به مبلغ ۲/۵ میلیون تومان، برای خرید از فروشگاه‌های شهروند و میادین میوه و تره‌بار در نظر گرفته شده است. همچنین بخشی از خدمات به حوزه سلامت مادر و نوزاد اختصاص دارد که از طریق مجموعه شهرسالم ارائه می‌شود.

اردبیلی با اشاره به پیش‌بینی خدمات فرهنگی و گردشگری در این طرح گفت: مادران و خانواده‌های آنان می‌توانند از خدمات فرهنگی پردیس‌های سینمایی تحت نظارت شهرداری تهران، برج میلاد و باغ کتاب نیز بهره‌مند شوند. وی با تاکید بر اینکه بسته «چشم‌روشنی» به کد ملی مادر اختصاص می‌یابد از مادران واجد شرایط که تاکنون برای مشاهده و استفاده از این اعتبار اقدام نکرده‌اند، درخواست کرد با نصب پلتفرم شهرزاد روی تلفن همراه خود، سطح ۲ کاربری خود را با کد ملی فعال کنند تا امکان مشاهده اعتبار تخصیص‌یافته برای آنان فراهم شود.

رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران همچنین خاطرنشان کرد: در صورت بروز مشکل در ثبت اطلاعات یا عدم مشاهده بسته، مادران می‌توانند از طریق پشتیبانی شهرزاد، موضوع را تا رفع آن، پیگیری کنند تا موارد خاص بررسی و مشکلات احتمالی برطرف شود. اردبیلی در پایان با اشاره به اینکه این طرح ویژه نوزادان متولدشده در شهر تهران و خانواده‌های ساکن این شهر است، گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون بیش از ۳۴ هزار تولد در تهران ثبت شده و بسته «چشم‌روشنی» برای مادران این نوزادان فعال و آماده بهره‌برداری است اقدامی که در قالب ظرفیت‌های خدماتی شهرداری تهران، با هدف خوشامدگویی به شهروندان تازه متولدشده و حمایت از خانواده‌های آنان اجرا می‌شود.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۶۱

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

دوشنبه
۲۰ مهر مـاه ۱۴۰۵
۱ جمادی الاول ۱۴۴۸ | ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶

اذان صبـــح	۰۴:۴۳
اذان ظهـــر	۱۱:۵۱
اذان مغـــرب	۱۷:۵۴
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۹

کاغذی

جایزه آپیلا برای تصویرگران کتاب‌اولی!

اگر تصویرگر کتاب کودک هستید و هنوز کتابی از شما منتشر نشده، می‌توانید در مسابقه بین‌المللی آپیلا شرکت کنید.
این مسابقه را انتشارات آپیلای اسپانیا برگزار می‌کند. جایزه برنده، انتشار نخستین کتابش و دریافت ۴۰۰۰ یورو (حدود ۱٫۲ میلیارد تومان) است.
شرکت برای تصویرگران بالای ۱۸ سال از سراسر جهان رایگان است.
باید یک کتاب تصویری کودک، حداکثر ۴۰ صفحه، به انگلیسی یا اسپانیایی ارائه کنید. اگر کتابتان کامل نشده، پنج تصویر دوصفحه‌ای نهایی همراه با طرح بقیه صفحات هم پذیرفته می‌شود. مبلغ جایزه در قالب قرارداد انتشار پرداخت می‌شود و حقوق نشر اثر نیز طبق قرارداد به ناشر واگذار خواهد شد.
مهلت ارسال آثار: ۲۵ بهمن (۱۴ فوریه ۲۰۲۷).

خطر ابتلا به سرطان مری با نوشیدنی خیلی داغ

مطالعه‌ای بزرگ نشان می‌دهد مصرف مداوم نوشیدنی‌های بسیار داغ با افزایش خطر سرطان مری مرتبط است؛ دمای نوشیدنی نقش مهمی دارد.
اگر عادت دارید چای یا قهوه را بلافاصله بعد از آماده شدن و در حالی که هنوز بسیار داغ است بنوشید، شاید بهتر باشد چند دقیقه بیشتر صبر کنید.
یک مطالعه بزرگ نشان داده است نوشیدن مداوم نوشیدنی‌های بسیار داغ با افزایش قابل توجه خطر ابتلا به سرطان مری ارتباط دارد. نکته مهم اینجاست که ظاهرا خود چای یا قهوه عامل اصلی نیست؛ دمای نوشیدنی اهمیت دارد. به همین دلیل موضوع می‌تواند شامل آب داغ و سایر نوشیدنی‌هایی هم شود که در دمای بسیار بالا مصرف می‌شوند.
محققان اطلاعات بیش از نیم میلیون نفر را در بریتانیا بررسی کردند و عادات آنها در مصرف نوشیدنی‌های گرم را با ابتلا به سرطان مری طی سال‌های بعد مقایسه کردند. نتایج نشان داد در افرادی که روزانه هشت فنجان یا بیشتر چای و قهوه می‌نوشیدند، اگر نوشیدنی را «بسیار داغ» مصرف می‌کردند، خطر ابتلا به سرطان مری تقریبا سه برابر افرادی بود که نوشیدنی گرم مصرف نمی‌کردند.
در افرادی که همان میزان نوشیدنی را در دمای «گرم» مصرف می‌کردند نیز خطر بالاتر بود، اما افزایش خطر کمتر از گروهی بود که نوشیدنی خود را بسیار داغ می‌نوشیدند. این یافته با هشدار قبلی آژانس بین المللی تحقیقات سرطان نیز هم‌راستاست؛ این نهاد مصرف نوشیدنی‌های بسیار داغ، یعنی بالاتر از حدود ۶۵ درجه سانتی‌گراد را در گروه عوامل «احتمالا سرطان‌زا برای انسان» قرار داده است.

چرا نوشیدنی خیلی داغ ممکن است خطرناک باشد؟

مری لوله‌ای است که غذا و نوشیدنی را از دهان به معده منتقل می‌کند. پژوهشگران احتمال می‌دهند تماس مکرر مایعات بسیار داغ با دیواره مری باعث آسیب حرارتی به سلول‌های آن شود. اگر این آسیب بارها تکرار شود، سلول‌ها مجبور به ترمیم مداوم می‌شوند. التهاب و آسیب مکرر بافت ممکن است در طولانی‌مدت شرایطی ایجاد کند که احتمال بروز تغییرات غیرطبیعی سلولی را افزایش دهد.
به بیان ساده، مسئله یک فنجان چای داغ نیست؛ نگرانی اصلی سال‌ها تماس مکرر مری با نوشیدنی‌هایی است که در دمای بسیار بالا نوشیده می‌شوند. لازم نیست چای یا قهوه را کنار بگذارید؛ کافی است آن را سوزان و بسیار داغ ننوشید و کمی برای خنک شدنش صبر کنید.
منبع: theguardian

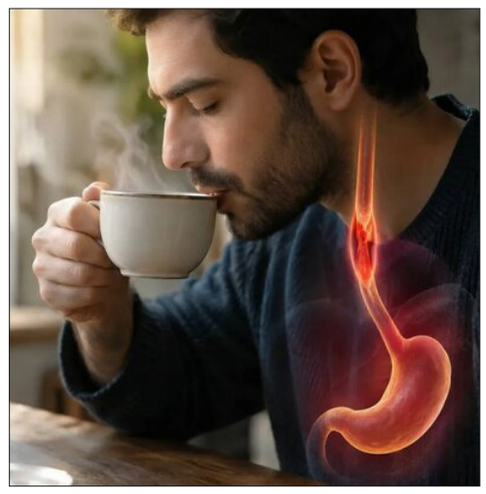

آب و هوا

تداوم بارش باران و صاعقه در برخی استان‌ها

سازمان هواشناسی از بارش باران و صاعقه در استان‌های شمالی و تداوم رگبارهای پراکنده در مناطق مختلف خبر داد.
براساس پیش‌بینی سازمان هواشناسی امروز دوشنبه در برخی نقاط شمال غرب کشور بارش پراکنده رخ خواهد داد. روز سه‌شنبه نیز در برخی مناطق شمال غرب، غرب، مرکز، دامنه‌های شمالی و جنوبی البرز و دامنه‌های جنوبی زاگرس، رگبار و رعدوبرق و وزش باد شدید موقت پیش‌بینی شده است. روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه در شمال غرب، غرب و دامنه‌های البرز مرکزی نیز در برخی ساعات رگبار و رعدوبرق و وزش باد شدید موقت روی خواهد داد.
طی پنج روز آینده در ارتفاعات کرمان، شرق هرمزگان و برخی نقاط سیستان و بلوچستان در ساعات بعدازظهر و شب، رگبار، صاعقه و وزش باد شدید موقت پیش‌بینی می‌شود. روز دوشنبه در برخی مناطق شمال شرق و شرق کشور و روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه در شمال غرب و غرب در برخی ساعات وزش باد شدید و گاهی خیزش گردوخاک رخ خواهد داد.



برداشت کیوی در غرب گیلان

غرب گیلان یکی از قطب‌های اصلی تولید کیوی در کشور به‌شمار می‌آید. بخش زیادی از باغ‌های محلی به کشت این میوه اختصاص یافته و برداشت این محصول از اوایل مهر شروع و تا اواخر آبان طول می‌کشد.
کیوی طی سال‌های گذشته به یکی از محصولات مهم باغی و صادراتی آستارا و تالش تبدیل شده و علاوه بر نقش آن در درآمد باغداران، به دلیل موقعیت مرزی، بخشی از زنجیره صادرات محصولات کشاورزی منطقه را تشکیل می‌دهد؛ کیوی برای نخستین بار در سال ۱۳۴۷ توسط مهندس یونس ابراهیمی وارد ایران شد و پس از استقبال مردم غرب گیلان از این محصول، نخستین باغ کیوی کشور توسط بخش خصوصی در آستارا احداث شد. اکنون این محصول پس از گذشت بیش از پنج دهه، یکی از محصولات مهم باغی شهرستان است و تولید آن در کنار فعالیت‌های مرتبط با سردخانه، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و صادرات، بخشی از فعالیت اقتصادی منطقه را شکل داده است.

عکس: حسن حقی / ایرنا

تغییر سیاست «آنتروپیک» برای جلوگیری از توهین به هوش مصنوعی!

شرکت «آنتروپیک» سیاست استفاده از مدل‌ها را تغییر می‌دهد تا جلوی سوءاستفاده از مدل‌ها، توهین به آنها و دخالت در انتخابات را بگیرد.
شرکت «آنتروپیک» روز پنج‌شنبه سیاست استفاده خود را به روزرسانی کرد و ممنوعیت‌های جدیدی را درباره دخالت در انتخابات، نرم‌افزارهای تسلیحاتی و نظارت وضع کرد اما شاید جالب‌ترین تغییر، ممنوعیت جدید علیه سوءاستفاده کلامی بلندمدت از مدل باشد که اکنون صراحتا ممنوع است. به نقل از تک‌کرانچ، از زمان به‌روزرسانی هوش مصنوعی «کلود» در ماه اوت، این مدل آموزش دیده است تا به گفت‌وگوهایی که تعاملات کاربری مداوم مضر یا توهین‌آمیز هستند، پایان دهد اما سیاست جدید صراحتا کاربران را از ادامه این گفت‌وگوها منع می‌کند.
در این پست توضیح داده شده است: این به‌روزرسانی سیاست فقط در موارد شدید اعمال می‌شود که کاربران بارها و بارها و بدون هیچ هدف مشخصی نسبت به مدل‌های ما بی‌رحمانه رفتار می‌کنند. این به‌روزرسانی درباره انواع رایج ناامیدی کاربر، محتوای خلاقانه یا آزمایش و بررسی مدل اعمال نمی‌شود. این تغییر پس از آن صورت می‌گیرد که شرکت آنتروپیک به دنبال همکاری با پژوهشگران برجسته مذهبی بوده و در برخی موارد، تلاش کرده است تا آنها را متقاعد کند که کلود می‌تواند هوشیار باشد یا روح داشته باشد. بخش‌های جداگانه‌ای از سیاست استفاده، کاربران را از مشارکت در کمپین‌های فریبکارانه گسترده مانند استفاده از کلود برای راه‌اندازی حساب‌های جعلی یا رسانه‌های خبری جعلی منع می‌کند. همچنین، این سیاست شامل قوانینی علیه فریب رأی‌دهندگان یا اخلال در انتخابات است که در بخشی با عنوان «فرآیندهای دموکراتیک را تضعیف نکنید» گردآوری شده است.

عبور پهپادها از دل خطر، بدون برخورد با فناوری جدید

پژوهشگران موسسه فناوری ماساچوست (MIT) سامانه‌ای را برای هدایت پهپادها توسعه داده‌اند که با ایجاد مسیرهای ایمنی متحرک، از برخورد آنها با موانع در مناطق حادثه دیده جلوگیری می‌کند. این سامانه برخلاف روش‌هایی که به نقشه‌های ثابت یا پیش‌بینی دقیق حرکت موانع نیاز دارند، تنها باید از حداکثر سرعت احتمالی موانع آگاه باشد.
این سامانه که «ساندو» نام دارد، موانع متحرک را با کره‌های مجازی احاطه می‌کند که موقعیت‌های احتمالی آنها در آینده را نشان می‌دهند. سپس با در نظر گرفتن این موانع، مسیری بدون برخورد در فضای سه بعدی ایجاد می‌شود که با گذشت زمان تغییر می‌کند. نویسنده اصلی این پژوهش ایده این پژوهش را از فاجعه هسته‌ای فوکوشیما در ژاپن الهام گرفته است. شبیه‌سازی‌ها نشان دادند که ساندو در مقایسه با سامانه‌های پیشرفته موجود سریع‌تر عمل می‌کند. همچنین این سامانه در ۱۲ پرواز واقعی پهپادی توانست از برخورد با تمام موانع متحرک اجتناب کند. کاهش بار محاسباتی، ادغام قابلیت‌های یادگیری ماشینی برای دریافت فرمان‌های صوتی و امکان هماهنگی چند پهپاد برای عملیات امداد و نجات، از جمله اهداف آینده این پروژه هستند. هدف این فناوری تنها جلوگیری از آسیب دیدن یک پهپاد نیست. اگر ساندو بتواند فراتر از محیط آزمایشگاه نیز عملکرد قابل اعتمادی از خود نشان دهد، ممکن است به امدادگران کمک کند مناطق خطرناک را سریع‌تر جست‌وجو کنند، بی آنکه لازم باشد پیش از اعزام پهپادها، خودشان وارد این مناطق شوند. این فناوری همچنین می‌تواند برای هدایت پهپادها در ساختمان‌های فروریخته، تونل‌های معادن یا محله‌های پرتراکم شهری کاربرد داشته باشد.

مهارت

ازکجا بفهمیم فیلتربنزین خودرو باید عوض شود؟

علائم کثیف بودن صافی بنزین

گرفتگی فیلتر بنزین با کاهش شتاب در سربالایی، استارت طولانی و خاموش شدن موتور همراه است و تشخیص قطعی آن با سنجش فشار سوخت انجام می‌شود.
فیلتربنزین یکی از قطعاتی است که شاید تا زمانی که مشکلی ایجاد نکند، کمتر مورد توجه راننده قرار بگیرد. وظیفه این قطعه جلوگیری از ورود آلودگی‌ها و ذرات موجود در سوخت به بخش‌های حساس سیستم سوخت‌رسانی است؛ اما با جمع شدن آلودگی در فیلتر، عبور سوخت محدود می‌شود و موتور ممکن است به‌ویژه هنگام شتاب‌گیری یا تحت فشار، نشانه‌هایی از کمبود سوخت نشان دهد.

افت شتاب؛ یکی از مهم‌ترین نشانه‌ها

یکی از نخستین علائمی که می‌تواند احتمال گرفتگی فیلتر بنزین را مطرح کند، کاهش توان موتور است. ممکن است خودرو در حالت عادی و هنگام حرکت با سرعت پایین عملکرد تقریبا طبیعی داشته باشد، اما هنگام فشردن بیشتر پدال گاز، سربالایی یا شتاب‌گیری، واکنش آن کند شود و خودرو شتاب سابق را نداشته باشد. دلیل این اتفاق آن است که با افزایش نیاز موتور، باید سوخت بیشتری به آن برسد، اما فیلتر محدودشده نمی‌تواند جریان مورد نیاز را به‌خوبی تامین کند.

بد روشن شدن و خاموش کردن موتور

گرفتگی شدید فیلتر می‌تواند فراتر از افت شتاب برود. استارت طولانی، دیر روشن شدن موتور یا حتی روشن شدن و خاموش شدن دوباره خودرو از علائمی هستند که در صورت محدود شدن شدید جریان سوخت ممکن است دیده شوند. در موتورهای دیزلی نیز بد روشن شدن، کارکرد نامنظم و خاموش شدن موتور از پیامدهای گرفتگی فیلتر سوخت به حساب می‌آید.
در خودروهای بنزینی نیز اگر فیلتر آن قدر محدود شده باشد که فشار یا دبی سوخت به مقدار مورد نیاز نرسد، عملکرد موتور مختل خواهد شد. با این حال، چنین علائمی اختصاصی فیلتر نیستند و خرابی پمپ بنزین، گرفتگی مسیر سوخت یا مشکلات انژکتورها نیز می‌توانند رفتار مشابهی ایجاد کنند.

چرا مشکل در شتاب‌گیری بیشتر دیده می‌شود؟

در زمان رانندگی عادی، نیاز موتور به سوخت نسبتا محدود است و حتی یک فیلتر نیمه گرفته ممکن است بتواند مقدار لازم را عبور دهد؛ اما هنگام شتاب گیری شدید یا حرکت در سربالایی، مصرف سوخت افزایش پیدا می‌کند. در این شرایط، محدودیت فیلتر بیشتر خودش را نشان می‌دهد و خودرو ممکن است دچار مکث، کاهش توان یا بد کار کردن موتور شود.

چگونه مطمئن شویم مشکل از فیلتر است؟

تشخیص قطعی تنها از روی علائم رانندگی امکان‌پذیر نیست. یکی از روش‌های مهم، اندازه‌گیری فشار سوخت و مقایسه آن با مقدار تعیین‌شده توسط سازنده خودرو است. در حقیقت فیلتر مسدود یا محدودشده یکی از دلایل احتمالی پایین بودن فشار سوخت است، اما در کنار آن خرابی پمپ، گرفتگی مسیر و مشکلات دیگر نیز مطرح می‌شود؛ بنابراین پایین بودن فشار سوخت به‌تنهایی به معنای خراب بودن فیلتر نیست.

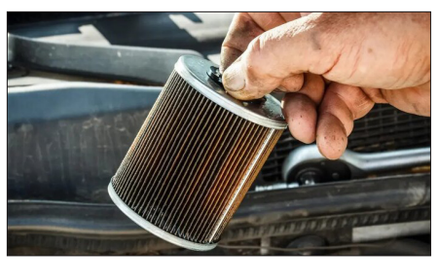

#تجربه_کردم

اگه همه کار می‌کنی اما دلت باز نمی‌شه، «اون کارها و چیزها» رو بذار کنار!...
اینی رو امتحان کن که می‌گم!
یا در فضای مجازی...
یا در گشت‌وگذار خیابون‌ها؛
اگه «غصه‌دار»ی رو دیدی. در دلت (و از ته دلت). شادی‌ش رو از خدا بخواه!...
اگر از کنار بیمارستانی گذشتی. با همون حال که نوشتم. شفاشون رو از خدا «تمنا» کن!...
اگه خرابی و ویرانی بنایی رو دیدی که. معلومه. صاحبش (در بازسازیش) گیر داره... برطرف شدن همه جور گیر نوسازیش رو از خدا خواهش کن!...
یه کم بعد، خودت متوجه می‌شی که. همچین نامحسوس. دلت روشن شده رفیق!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

سرعت پیری را کم کنید

کاهش عضلات با افزایش سن سرعت می‌گیرد، اما با تمرین‌های مناسب می‌توان قدرت، تعادل و استقلال حرکتی را حفظ کرد.
از میانه دهه ۳۰ زندگی، بدن به‌تدریج عضلات خود را از دست می‌دهد؛ روندی که با بالا رفتن سن سرعت می‌گیرد و می‌تواند قدرت، تعادل، انعطاف‌پذیری و حتی توانایی انجام کارهای ساده روزمره را کاهش دهد. اما خبر خوب این است که با تمرین‌های مناسب می‌توان با بسیاری از این تغییرات مقابله کرد و استقلال حرکتی را برای سال‌های بیشتری حفظ کرد.

از دست دادن عضلات از چه سنی شروع می‌شود؟

بر اساس مطلب منتشرشده در یک گزارش آموزشی درباره آمادگی جسمانی عملکردی، کاهش توده عضلانی ممکن است از میانه دهه ۳۰ زندگی آغاز شود و به‌طور متوسط سالانه یک تا دو درصد باشد. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ زندگی، این روند می‌تواند به حدود سه درصد در سال برسد؛ هرچند سرعت تغییرات در افراد مختلف متفاوت است.
با افزایش سن، فقط عضلات نیستند که تحت تاثیر قرار می‌گیرند. توان انفجاری عضلات، ظرفیت هوازی، انعطاف‌پذیری مفاصل و تعادل نیز ممکن است افت کنند. در نتیجه، کارهایی مانند بلند کردن وسایل، خم شدن برای برداشتن یک شیء از زمین، بازکردن در شیشه‌ها یا حتی راه رفتن با اطمینان بیشتر دشوار می‌شوند.

تمرین‌هایی که به حفظ استقلال حرکتی کمک می‌کنند

تمرین‌های آمادگی جسمانی عملکردی بر حرکاتی تمرکز دارند که در زندگی روزمره به آنها نیاز داریم؛ از جمله نشستن و برخاستن، خم شدن، چمباتمه زدن، بالا بردن دست‌ها، حمل وسایل و حفظ تعادل. این تمرین‌ها با توجه به شرایط بدنی فرد می‌توانند به حفظ قدرت عضلانی، بهبود دامنه حرکتی و افزایش توانایی انجام فعالیت‌های روزمره کمک کنند.

قدرت دست‌ها چه ارتباطی با سلامت دارد؟

قدرت پنجه دست فقط برای بازکردن در شیشه‌ها یا بلند کردن قابلمه اهمیت ندارد. این شاخص در پژوهش‌های سلامت، به عنوان یکی از نشانه‌های احتمالی وضعیت کلی عملکرد عضلات و سلامت عمومی بررسی شده است. سرعت راه رفتن و توانایی حفظ تعادل نیز می‌توانند اطلاعات مهمی درباره وضعیت عملکردی افراد، به ویژه در سنین بالاتر، ارائه دهند. البته ضعیف بودن قدرت پنجه به‌تنهایی به معنای ابتلا به بیماری خاصی نیست و باید در کنار سایر شاخص‌های سلامت ارزیابی شود.



از همین امروز شروع کنید

برای حفظ توانایی‌های حرکتی لازم نیست منتظر سالمندی بمانید. تمرین‌های قدرتی متناسب با توان فرد، فعالیت هوازی، تمرین تعادل و حرکات افزایش دهنده انعطاف‌پذیری می‌توانند بخشی از برنامه فعالیت بدنی در سنین مختلف باشند.
منبع: https://www.health.harvard.edu/

حسگر مچی، عرق بدن را می‌سنجد

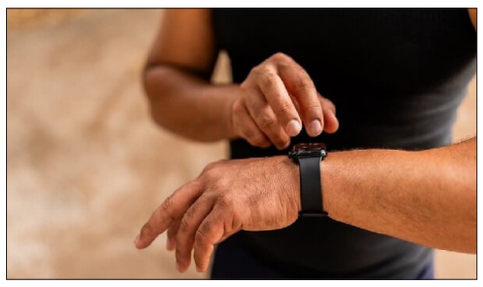

پژوهشگران ژاپنی حسگری به شکل ساعت مچی توسعه داده‌اند که طی آزمایشی در شرایط واقعی یک کارگاه ساختمانی، به مدت دو ساعت و ۴۵ دقیقه، سیگنال‌های مربوط به سدیم و پتاسیم موجود در عرق را ردیابی کرد.
به گزارش اینترستینگ انجینیرینگ، پژوهشگران دانشگاه علوم توکیو یک دستگاه پوشیدنی توسعه داده‌اند که می‌تواند تغییرات ترکیبات شیمیایی عرق بدن را هنگام فعالیت رصد کند. این دستگاه با ترکیب الکترودهای چاپی، لایه جمع‌آوری عرق و قطعات الکترونیکی بی‌سیم، امکان اندازه‌گیری و انتقال داده‌ها را فراهم می‌کند.
برخلاف حسگرهای چاپی متداول که برای دستیابی به خوانش‌های پایدار به آماده‌سازی‌های طولانی نیاز دارند، این دستگاه از یک الکترود مرجع با اتصال مایع بهره می‌برد که برای دستیابی سریع‌تر به اندازه‌گیری‌های پایدار طراحی شده است.
پژوهشگران نمونه اولیه این ابزار را روی کارگران ساختمانی و در جریان فعالیت‌های روزمره آنها، از جمله راه رفتن، استراحت، نوشیدن آب و غذا خوردن، آزمایش کردند. به گفته محققان، نتایج نشان داد این سامانه می‌تواند سیگنال‌های مرتبط با عرق را در محیط واقعی و خارج از شرایط آزمایشگاهی جمع‌آوری و منتقل کند.
این حسگر تغییرات ولتاژ مرتبط با یون‌های سدیم و پتاسیم موجود در عرق را اندازه‌گیری می‌کند. این دو الکترولیت در فرآیندهای فیزیولوژیکی مختلف نقش دارند و پایش آنها می‌تواند اطلاعات مفیدی درباره وضعیت بدن فراهم کند.
دستگاه مذکور به الکترودهای جداگانه برای اندازه‌گیری سدیم و پتاسیم مجهز است و از این طریق امکان پایش هردو یون را فراهم می‌کند. لایه‌ای از پارچه و الیاف فوق جاذب روی الکترودها قرار گرفته است که به جمع‌آوری عرق، مرطوب نگه داشتن ناحیه اندازه‌گیری و انتقال نمونه به حسگر کمک می‌کند.
اجزای حسگر به یک واحد الکترونیکی شبیه ساعت مچی متصل هستند. این واحد سیگنال‌ها را پردازش می‌کند، داده‌ها را به صورت بی‌سیم به رایانه می‌فرستد و اندازه‌گیری‌ها را نیز روی کارت حافظه میکرو اس‌دی ذخیره می‌کند.